



مصحف امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایازی ، سید محمدعلی ، 1333 -

عنوان و نام پدیدآور: مصحف امام علی (ع) = Mos-haf-e Emam Ali/ محمدعلی ایازی .

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات ، 1386.

مشخصات ظاهری: 247، [12] ص .: نمونه .

فروست: دین = Religion.

شابک: 36000 ریال 1-277-422-964-978

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Moshaf'e Emam Ali.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه : ص . [240] - 247؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مصحف علی (ع)

موضوع: قرآن -- جمع و گردآوری



شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رده بندی کنگره: / BP72/4 الف 9م 6 1386

رده بندی دیویی: 19/297

شماره کتابشناسی ملی: 1300492

مقدمه

از بحث انگیزترین موضوعات تاریخ قرآن، بحث درباره مصحف امام علی (ع) است. این موضوع از چند جهت مورد بحث و گفت و گو است؛ از جهتی بحث درباره گردآوری قرآن و آغاز تدوین این کتاب آسمانی و از جهتی، تاریخچه تفسیر و علوم قرآنی. پژوهش گران بسیاری می خواهند بدانند که مصحف امام چه بوده و آیا چنین کتابی وجود خارجی داشته و علی (ع) نخستین گردآورنده قرآن بوده است. دیگر آن که آیا این کتاب تنها نسخه ای از قرآن بوده است یا چیزی مفصل تر از قرآن، و اگر تنها قرآن بوده است، به چه ترتیبی و کیفیتی. آنان برآنند تا بدانند که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول گردآوری و تنظیم شده است یا کسی این مصحف را ندیده و تنها گزارشی را نقل کرده است. پرسش دیگر درباره استناد به روایات مصحف است که آیا چنین روایاتی تنها در منابع شیعه آمده اند یا در منابع اهل سنت نیز نقل شده اند. پرسش های دیگری نیز هست که آیا میان کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) تفاوتی هست و یا این دو، مجموعه ای یگانه را تشکیل

می دهند؛ حدود دلالت و جایگاه نقل این روایات کجا است و از آن مهم تر، ویژگی های این مصحف بنابر همین دسته از اخبار چیست.



از آن جا که خلفای سه گانه مصحف علی (ع) را نپذیرفته اند و این کتاب هم اینک در دسترس نیست، گروهی قائل به تحریف قرآن شده اند. همین امر، جنجال هایی را درباره چگونگی محتوای مصحف پدید آورده و مباحث کلامی ویژه ای را پی ریخته و شبهه هایی را درباره اصل مسئله و چگونگی آن مطرح ساخته است. پژوهش درباره چگونگی این مصحف و پاسخ دادن به شبهه ها برای روشن شدن واقعیت بسیار سودمند است.

در آغاز این بحث می کوشیم واژه «مصحف» و پیشینه به کارگیری آن را در روزگار پیش از اسلام و پس از اسلام توضیح دهیم و آن گاه چگونگی استعمال این واژه را در روایات بررسی کنیم. سپس می کوشیم استنادات تاریخی و حدیثی مصحف را در منابع شیعی و سنی نشان دهیم و دیدگاه ناقدان و قرآن پژوهان را باز گوئیم و به پژوهش نهیم. اما بی گمان، مهم ترین بخش پژوهش در آن جا است که ویژگی های مصحف و جلوه درونی و برونی اش را به بحث می گذاریم. همچنین، بایسته می نماید مقایسه ای میان مصحف امام و مصحف حضرت فاطمه (س) صورت پذیرد و تفاوت های جوهری آن ها شرح داده شود. در بخشی دیگر به ویژگی های مصحف امام علی (ع) پرداخته ایم. در این بخش، افزون بر ارزیابی روایات و استنادات، به شرح واژگان و روایات و تفسیر جمله های رسیده درباره ویژگی های مصحف - به ویژه در مبحث ترتیب نزول - نیازمندیم. در بخشی دیگر از پژوهش خویش، کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) را با یکدیگر مقایسه کرده ایم. از آن جا که روایاتی بسیار درباره کتاب

علی (ع) در منابع شیعه و سنی به چشم می آید، ویژگی های این کتاب را برشمرده ایم و این مسئله را مطرح ساخته ایم که آیا می توان مصحف علی (ع) را همان کتاب علی (ع)



پنداشت. سرانجام، پایان بخش پژوهش حاضر را به طرح شبهه ها و پاسخ ها اختصاص داده ایم.

مصحف چیست

خلیل بن احمد فراهیدی (م 170 ق) می گوید: «مصحف را بدان رو مصحف گویند که جامع نوشته های میان دو جلد است.» [1] معمولاً مصحف از چند صحیفه و صحف سامان می یابد. [2] نکته ای که بیش تر لغت پژوهان بر آن پای فشرده اند و آن را بر قید «جامعیت» افزوده اند، مکتوب بودن میان دو جلد است. تفاوت صحف و مصحف در این است که صحف عبارت از ورق ها و لوح هایی است که وقتی می خواهند آن ها را به یکدیگر پیوند زنند و مجموعه ای یگانه پدید آورند، میان دو لوح یا دو جلد می گذارند. از این روی گفته اند: المصحف هو الجامع للمصحف المكتوبه بین الدفتین؛ «مصحف، مجموعه صحف مکتوب میان دو جلد را گویند.»

بنابراین، جای دادن قرآن در مصحف، بدین معنا است که اولاً آن را از حالت پراکندگی در آورده اند و ثانیاً میان دو جلد گذاشته اند. تفاوت میان قرآن و مصحف در همین است.

مصحف امام علی

پیش از هر چیز باید اطمینان یابیم که آیا چنین مصحفی وجود خارجی داشته است یا نه. برای این کار به گزارش مصادر و رجال نخستین حدیث، تاریخ و سیره نیازمندیم تا روشن سازیم چنین کتابی در دوران نخستین مطرح بوده و کتاب ها نیز از آن سخن گفته اند. در این جا در دو بخش به پژوهش می پردازیم و درباره راویان و مؤلفان شیعه و سنی سخن می گوئیم.



راویان مصحف امام علی

راویانی که از وجود مصحف امام علی (ع) به صراحت سخن گفته اند و یا از موضوع گردآوری قرآن به دست حضرت یاد کرده اند، عبارتند از:

1. سلیم بن قیس هلالی (م 76 ق) در احادیث چهارم، دهم، یازدهم، دوازدهم و چهل و دوم کتاب، به اصل مصحف امام علی (ع) و ویژگی هایش اشاره کرده است. [3] گفتار سلیم درباره مصحف، به آن چه دیگران گزارش داده اند بسیار نزدیک است و از این رو در نقل وجود موضوع، با آن ها هماهنگ است. از سوی دیگر، سلیم این خبر را از چند صحابی پیامبر و یاران نزدیک امام علی (ع) نقل کرده است؛ مانند ابوذر غفاری (م 32 ق)، سلمان فارسی (م 34 ق)، و ابن عباس (م 68 ق).

2. ابن عباس نیز از راویانی است که مستقلاً درباره مصحف سخن گفته است. به عنوان نمونه نقل است: قال ابن عباس: فجمع الله القرآن في قلب علي و جمعه علي بعد فوت رسول الله بسته شهر؛ [4] «خداوند قرآن را در قلب علی بر نشاند و علی پس از پیامبر خدا، در شش ماه آن را گرد آورد.»

مصحف امام علی در منابع شیعه

گفتیم در بخشی از منابع و مصادر شیعی، از مصحف امام آشکارا سخن رفته است؛ گرچه از کتاب های معتبر چهارگانه شیعه، تنها الکافی از آن یاد کرده و شرحی مختصر آورده و درباره اش از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده است. چنین گزارش هایی در دیگر کتاب های آن روزگار، کم و بیش به چشم می آیند که گاه در ضمن گفته و کلامی مربوط به



رویدادهای عصر رسالت یا مربوط به کیفیت جمع قرآن آمده اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید از جابر

بن یزید جعفی (م 127 ق)، که از یاران امام باقر و صادق (ع) است، از امام باقر (ع) حدیثی درباره توحید و نفی تشبیه نقل می کند و زمان خطبه را معین کرده، می گوید: فی خطبه خطبها بعد موت النبی بسبعه ایام و ذلک حین فرغ من جمع القرآن. [5].

سُلیم بن قیس هلالی در چندین روایت از مصحف نام برده و از آن جا که او از اصحاب نخستین امامان به شمار می رود، سخن گفتن او از مصحف امام شایسته توجه و تأمل است. در کتاب سلیم این گزارش ها در حدیث چهارم (ج 2، ص 581)، یازدهم (ج 2، ص 659 و 656)، دوازدهم (ج 2، ص 665) و چهل و هشتم (ج 2، ص 862) آمده است.

مصحف امام علی در منابع اهل سنت

خبر مصحف امام علی از اموری است که در منابع گوناگون اهل سنت نقل شده و با آن که بخش هایی از آن مورد بحث و تأمل بوده، باز در این کتاب ها منعکس شده است. در مواردی اهل سنت در قبول آن واکنش نشان داده و یا چون گمان کرده اند پذیرفتن این مصحف مشکلاتی تاریخی و اعتقادی به وجود می آورد، به توجیه و تفسیر این پدیده پرداخته اند؛ در حالی که نفس انعکاس این گزارش ها در منابع اولیه و قبول اصل آن در برخی منابع، حاکی از واقعیت و اصالت داشتن آن در تاریخ بوده است.

اکنون به شماری از این مؤلفین و راویان اشاره می گردد:



1. مقاتل بن سلیمان بلخی (م 150) در تفسیرش که از نخستین تفاسیر اجتهادی و در حد خود بسیار مفصل می باشد، از کسانی است که به طور ضمنی به مصحف امام علی اشاره می کند. [6].

2. محمد بن سعد زهری (م 230) وی از نخستین تاریخ نویسانی

است که به مصحف حضرت اشاره می کند. خوشبختانه اثر او باقی مانده است. ابن سعد در این کتاب تنها یک خبر، و آن هم از طریق اسماعیل بن ابراهیم، از ایوب و ابن عون، از محمد بن سیرین، درباره مصحف امام می آورد. [7].

3. محمد بن ایوب بن ضریس، معروف به ابن ضریس (م 294) که مسئله نخستین گردآورنده و سوگند امام علی برای خانه نشستن را از ابن سیرین و عکرمه نقل کرده است. [8].

4. ابن ابی داوود سجستانی (م 316) در کتاب المصاحف از کسانی است که خبر را آورده و آن را نقد کرده و از آن جا که مسئله نخستین گردآورنده برای وی و عده ای دیگر، چون ابن کثیر (م 774) و ابن حجر عسقلانی (م 852) بسیار مهم بوده، به نقد و توجیه این روایت پرداخته اند.

5. محمد بن عبدالله بن اشته، معروف به ابن اشته (م 360) یکی دیگر از کسانی است که مصحف امام را از طریق دیگری، به جز طریق سجستانی، نقل و حتی برای آن خصوصیتی ذکر می کند. [9].



6. ابن ندیم (م 380) در کتاب الفهرست با طریق دیگری خبر از مصحف امام می دهد. وی این روایت را از احمد بن جعفر بن محمد منادی (م 332) از طریق خودش نقل می کند. [10].

ناقدان سنی مصحف امام علی

گروهی از قرآن پژوهان و حدیث شناسان از اهل سنت، اخبار مصحف علی (ع) را دارای اشکالاتی دانسته اند و به همین دلیل وجود آن ها را منکر شده اند و اخبار رسیده را به گونه ای تفسیر و توجیه کرده اند. اشکالات یاد شده به شرح زیرند:

1. روایات مصحف امام با روایاتی دیگر ناسازگارند؛ روایاتی می گویند: نخستین گردآورنده قرآن ابوبکر است. از قضا، برخی از همین

روایات، از امام علی (ع) و از طریق راویانی نقل شده اند که روایات مصحف امام را نقل کرده اند.

2. روایات ابن سیرین از امام علی (ع) محل مناقشه است؛ زیرا طریق ابن سیرین به امام علی (ع) منقطع است. [11] محمد بن سیرین متولد سال 33 و متوفای سال 110 قمری است، در حالی که امام علی (ع) در سال چهارم قمری به شهادت رسیده است. از این رو، هنگام شهادت آن حضرت، ابن سیرین هفت ساله بوده و نمی توانسته بی واسطه از امام خبر نقل کند. از سویی دیگر، واسطه خبر نیز نامشخص است. ابن حجر در فتح الباری در شرح صحیح بخاری، این اشکال را مطرح ساخته است. [12] کسانی دیگر نیز به این اشکال اشاره کرده اند؛ مثلاً سیوطی بی آن که اظهار نظر کند، اشکال را از او نقل کرده است. [13] اما این اشکال در صورتی وارد است که خبر ابن سیرین منحصر به همین طریق باشد؛ در صورتی



که ابن ضُرَیس، از نصر بن شُمیل به نقل از عوف از ابن سیرین از عکرمه، دو خبر را نقل کرده و هر دو خبر درباره گردآوری و کیفیت تنظیم مصحف امام است. [14] در این صورت، واسطه میان ابن سیرین و امام، عکرمه است و خبر از انقطاع درمی آید. عکرمه بربری، مولای عباس، از کسانی است که حضرت را به خوبی درک کرده و در شمار خوارج بوده است.

3. بر فرض که مشکل انقطاع حل شود، طریق خبر دارای مشکل است؛ زیرا اشعث بن سوار کندی از محمد بن سیرین نقل می کند و اشعث «لین الحدیث» است؛ یعنی کسی است که در نقل خبر از دیگران تساهل می کند. [15].

دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علی

آن چه تا کنون بیان شد، نقل روایات در منابع اهل سنت و شیعه بود و نقل، اعم از پذیرش و قبول است، ولی برخی از محدثان اهل سنت به نقد این روایات برآمده اند یا کسانی مانند سلیم بن قیس و طبرسی و ابن شهر آشوب، از موضع قبول و دفاع به نقل این اخبار پرداخته اند؛ اما در این نوشته ها، کم تر تحلیلی مستقل از روایات انجام گرفته است. کسانی دیگر نیز هستند که به نقل مستندات تاریخی بسنده نکرده و به تحلیل آن ها پرداخته اند. یعقوبی (م 292 ق) از این کسان است که به تفصیل درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده و با بیانی ویژه درباره چگونگی مصحف سخن گفته و از ترتیب خاص سوره ها گزارش داده است؛ بی آن که منابع گفتار خویش را برشمارد. از آن جا که وی از نخستین کسانی است که درباره مصحف نظریه ای مطرح ساخته و با شرحی گسترده آن را وصف کرده

است، نوشته های او از نظر تاریخی بسیار مهم و شایسته توجه به نظر می رسند؛ هر چند مطالب او جای نقد و تأمل بسیار است. او در گزارش خویش می نویسد:

برخی روایت کرده اند که علی بن ابی طالب، پس از وفات پیامبر خدا، آن را فراهم ساخته و بر شتری نهاده و پیش جمعیت آورده و گفته است: «هذا قرآن قد جمعته»؛ «این قرآنی است که من گرد آورده ام.» حضرت آن را به هفت جزء و بخش تقسیم کرده بود. برخی گفته اند که علی گفته است: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است.»

از نکته های دیگر، توضیحات یعقوبی و نامگذاری وی بر سوره ها است که با گزارش دیگران متفاوت است؛ مثلاً سوره قصص را به نام

سوره «موسی و فرعون» و سوره جاثیه را به نام سوره «زمر شریعت» وصف کرده است، یا در بسیاری از موارد نام سوره را با آیه نخست آن آورده؛ مانند سوره «أنا اعطیناک الکوثر»، سوره «أنا ارسلنا نوحاً» و سوره «قل اوحی الیّ.» [31].

یکی دیگر از کسانی که به مصحف امام در چند جا اشاره کرده است، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (م 413 ق) است. او در کتاب اوائل المقالات، به مناسبت نقد قائلین به تحریف و این که از قرآن کنونی هرگز کلمه، آیه و سوره ای حذف نشده است، اصل وجود مصحف و شیوه مطالب آن را پذیرفته و تنها از این رو که برخی گمان کرده اند پذیرش وجود مصحف، اعتراف به تحریف قرآن است، توضیح می دهد که مطالب گرد آمده در مصحف، در تفسیر و تأویل قرآن و متکی بر وحی است، اما نص قرآنی نیست. [17] همچنین در کتاب مسائل السرویه می نویسد:



بی گمان، امیرمؤمنان قرآن نازل شده را از آغاز تا فرجام گرد آورده و بر طبق ترتیب نخستین تألیف کرده است؛ سوره های مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته و هر آیه و سوره ای را در جای خویش برنهاده است. از این رو، امام جعفر بن محمد صادق (ع) فرموده است: «به خدا سوگند، اگر قرآن، چونان که نازل شده بود خوانده می شد، بی گمان نام ما را در آن می یافتید؛ همان گونه که نام پیشینیان ما در آن یافت می شد.» [18].

این سخن نیز آشکار می سازد که در دیدگاه شیخ مفید، وجود مصحف امام مسلم بوده است. درباره دیدگاه شیخ مفید در باب ترتیب مصحف به ترتیب نزول یا عدم آن،

پس از این سخن خواهیم گفت.

محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م 548 ق) در مقدمه تفسیر مفاتیح الاسرار، آنان را که مصحف امام علی (ع) را به کنار نهادند، با لحنی بازخواست کننده، مورد خطاب قرار می دهد و می نویسد:

چگونه آنان گردآوری علی بن ابی طالب را مطالبه نکردند؟ آیا زید بن ثابت بهتر می توانست بنویسد؟ آیا سعید بن عاص ادیب تر و به فنون و قواعد عرب آشنا تر بود یا علی؟ آیا آنان به پیامبر خدا نزدیک تر بودند یا ایشان؟ آری، همه آنان کار علی (ع) را وا نهادند و مصحفش را به کنار گذاردند و فراموشش کردند، در حالی که چون از تجهیز و تدفین و نماز بر رسول خدا فارغ شد، سوگند یاد کرد که عباي خویش را جز برای نماز جمعه بر دوش نیندازد مگر آن که قرآن را گرد آورد. بی گمان، او مأمور این کار بود. قرآن را گرد آورد؛ چونان که نازل شده بود، بی تحریف و تبدیل و کم و زیاد. پیامبر گرامی همواره او



را از موضع آیات و سوره ها آگاه کرده بود و جایگاه و تقدم و تأخر آن ها را نشان داده بود.

ابوحاتم رازی [م 327 ق] در وصف مصحف امام علی گفته است که او هر آیه ای را در کنار آیات مشابهش برنهاده بود. برخی دیگر گفته اند که در مصحف امام علی، مطالب در دو بخش متن و حواشی بوده است؛ در متن قرآن کریم بوده است و در حاشیه مصحف، مباحث مربوط به آیه. [19].

در میان نویسندگان و مفسران پیشین، کم تر کسی مانند شهرستانی به تفصیل از این موضوع سخن گفته و به ترتیب مصحف پرداخته است. چنان که گفته آمد، گزارش وی تنها

نقل روایت نیست، بلکه وصف و تحلیل و نقد است. ابن ابی الحدید (م 655 ق) در شرح نهج البلاغه نیز چنین کرده است. او در آغاز کتاب، به مناسبت ذکر فضایل امیر مؤمنان (ع)، به مسئله گردآوری قرآن اشاره می کند و این که علی (ع) نخستین کسی است که پس از پیامبر بدین کار پرداخته است. او می نویسد:

همه بر این باورند که علی (ع) قرآن را در زمان پیامبر از بر کرده و کسی دیگر جز او چنین نکرده بود و او نخستین کسی بوده که قرآن را گرد آورده است. گفته اند که او در بیعت با ابوبکر تأخیر ورزیده است، و اهل حدیث معتقدند این که شیعیان می گویند نشستن او در خانه برای دوری از بیعت بوده است، درست نیست، بلکه برای اشتغال به گردآوری قرآن بوده است و این دلیل بر آن است که او نخستین گردآورنده قرآن است. [20].



ابن ابی الحدید به مناسبت ذکر حوادث پس از پیامبر، افزون بر این که به گردآوری قرآن در مصحف واحد اشاره می کند، به موضوعی می پردازد که کم تر در متون تاریخی و حدیثی به چشم می آید و آن موضوع همکاران حضرت در گردآوری مصحف است. [21].

یکی دیگر از مفسران اهل سنت که درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده است، ابن جزّی کلبی (م 741 ق) است. او در مقدمه تفسیر التسهیل لعلوم التنزیل می نویسد:

قرآن در عهد رسول خدا در صحیفه ها و سینه های مردم پراکنده بود. چون حضرت وفات کرد، علی بن ابی طالب در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول گرد آورد. اگر مصحف او یافت می شد، در آن دانستنی هایی بسیار می توانستیم بیابیم، اما افسوس که یافت نشد. [22].

نکته شایسته توجه

در این سخنان آن است که اولاً ابن جزّی مصحف علی (ع) را نخستین مصحف کامل پس از پیامبر، و علی (ع) را نخستین گردآورنده می داند. دیگر آن که او مصحف علی (ع) را به ترتیب نزول می داند، اما مدرک سخن خویش را باز نمی گوید. سوم آن که مصحف را تنها نسخه ای از قرآن نمی داند؛ زیرا درباره اش می گوید: «لکان فیه علم کبیر». مراد از تعبیر «علم کبیر» باید مطالبی دیگر، جز قرآن باشد. سرانجام این که، گفتار او نشان می دهد که در عهد ابن جزّی این مصحف در دسترس نبوده و او تنها بر اساس گزارش های متون قدما از آن سخن گفته است.

از میان متأخرین، کسانی بسیار به وصف مصحف امام علی (ع) پرداخته اند؛ مانند فیض کاشانی، [23] ابو عبدالله زنجانی، [24] آیت الله خویی، [25] علامه عسکری، [26] سید

جعفر مرتضی عاملی، [27] ابن خطیب در کتاب الفرقان [28] و ملاحویش آل غازی در تفسیر بیان المعانی. [29].

در این میان، برخورد متأخرین متفاوت است: برخی با تفصیلی بیش تر به موضوع پرداخته اند و برخی با اختصار؛ مثلاً جعفر نکونام، کتابی درباره مصحف امام نگاشته و یا اکرم برکات عاملی، کتابی در حقیقت مصحف فاطمه (س) از دیدگاه شیعه برنوشته و بخشی از کتاب را به مصحف امام علی (ع) اختصاص داده است، و فتح الله محمدی در پاسخ به شبهه های ناصرعلی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه به دفاع از مصحف امام علی (ع) پرداخته و پذیرفتن این مصحف را مساوی اعتقاد به تحریف ندانسته است.

از نگاه دیگر، در میان متأخران، کیفیت و ویژگی های مصحف امام علی (ع) و پاسخ به شبهه های قائلین به تحریف مهم بوده است؛ مثلاً آیت الله خوئی در یک جمع بندی درباره شبهه های قائلین به تحریف می نویسد:

تسالم علمای اعلام بر وجود مصحف امام، ما را از اثبات این کتاب بی نیاز می کند و از این رو به بحث درباره این مصحف پای نمی نهیم. اما این که برخی پنداشته اند مصحف مشتمل بر چیزهایی افزون بر قرآن است، به این معنا نیست که آن چه افزون است، از قرآن باشد، بلکه زیاداتی تفسیری و بیان تأویلی است. [30].

وی آن گاه به تفصیل در تحلیل و تفسیر روایات مصحف امام وارد می شود که در ذکر ویژگی های مصحف به آن ها خواهیم پرداخت.



سید جعفر مرتضی عاملی نیز در آغاز بحث خویش این پرسش را مطرح می کند که آیا مصحف امام همان مصحفی است که نزد پیامبر بود و به حضرت وصیت کرد که آن را گرد آورد یا مصحف مستقل دیگری است؛ ثانیاً این مصحف با مصحف کنونی سازگار است یا ناسازگار، و اگر ناسازگار است، ناسازگاری اش از چه نوعی است؛ ثالثاً حجم این مصحف چقدر بوده و مصادری که از وجود این مصحف خبر می دهند، تا چه حد قابل اعتماد و اعتنایند. او به اشکالات قائلین تحریف می پردازد و بدون آن که بخواهد پرسش های فوق را پاسخ دهد، ویژگی های مصحف امام را بر می شمارد. [31].

چگونگی مصحف امام علی

پیش از این به منابع شیعی و سنی مصحف امام اشاره کردیم و گفتیم این روایات در منابع اصلی شیعه و سنی نیامده اند و بیش تر به ضعف سند دچارند. [32] با این همه، شمار روایات یادشده چنان بسیار است که دیگر نمی توان در اصل مصحف تردید کرد، و گویی از مجموع آن ها بسان اخبار مستفیض اطمینان حاصل می گردد. از این رو، بحث سندی را باز نمی کنیم و ناگزیر به ویژگی های مصحف و چگونگی محتوای آن می پردازیم.

نخستین پرسش این است که آیا مصحف امام علی (ع) قرآن بوده یا نه، و اگر قرآن بوده، آیا افزون بر قرآن مطلبی دیگر نیز در خود داشته است. پرسش های دیگر این است که تفاوت مصحف امام علی (ع) با سایر مصحف های عصر رسالت - مانند مصحف ابی بن کعب و مصحف عبدالله بن مسعود - چه بوده است؛ چه تفاوتی میان مصحف امام با مصحف



حضرت فاطمه (س) می توان یافت و نسبت میان مصحف امام علی (ع) و کتاب علی (ع) چیست.

ویژگی های مصحف امام علی

ویژگی های مصحف امام را در گزارش های رسیده می توان در دو بخش یافت. اول، بخشی است که جنبه اساسی دارد و در حقیقت، ویژگی های این مصحف را سامان می دهد که در بحث های آینده به آن خواهیم پرداخت. اما بخشی نیز مربوط به نشانه های ظاهری و در همان حال کارگشا در شناخت سیمای کلی مصحف است.

1. مصحف امام همه قرآن را در بر داشته است، نه برخی سوره ها یا آیه ها را؛ برخلاف برخی مصحف هایی که صحابه گرد آورده اند که گاهی چند مصحف مکمل یکدیگر بوده اند. در روایت چهارم سلیم بر این حقیقت تصریح شده و آمده است: فلما جمعه کله ... بعث الیه ابابکر. [33] یا در روایت دیگر آمده است: لم یسقط منه حرف. [34].

2. از سوی دیگر، اگر مصحف امام پیش از زمان مورد بحث نیز نوشته شده باشد، بار دیگر توسط حضرت کتابت و کامل گشته است. به ظاهر، روایات بر این نکته عنایت داشته اند که تأکید شود حضرت کاتب نداشته و خود، به دست خویش، مصحف را نگاشته است. این حقیقت را از چند روایت می توان برگرفت. در روایت دهم

سُلیم آمده است: فکتبته. [35] و در روایت چهارم آمده: و کتبه بیده. و در روایت یازدهم آمده: و خط یدی. [36] در جاهای دیگر نیز این تعبیر آمده است که آن مطالب با املائی رسول الله (ص) و خط امیرمؤمنان (ع) بوده است. البته در منابع اهل سنت، نکته مورد نظر، بیش تر بدون صراحت آمده است: فَأَلَفَهُ وَ كَتَبَهُ. [37].



3. نکته دیگر، چگونگی گردآوری و نگاشتن است. آیا این گردآوری به صورت اوراق پراکنده بوده یا طوماری در کار بوده است؟ با وضعیت نوشت افزارهای آن روزگار، که هنوز کاغذ در جزیره العرب موجود نبوده و پوست حیوانات قیمتی نیز در اختیار همه نبوده و اگر بوده به شکل کنونی میان دو جلد نبوده، امام مصحف را چگونه نگاشته است؟

روایات با تعبیرهایی گوناگون به این پرسش ها پاسخ داده اند. بنا بر برخی روایات، جمع آوری مصحف در میان دو لوح بوده است: قد جمعتُهُ مِنَ اللُّوحينِ؛ [38] حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ بَيْنَ اللُّوحينِ. [39] البته معلوم نیست معنای این دو عبارت متفاوت است یا نقل به معنا و اختلاف در تعبیر است. در روایتی دیگر آمده است که حضرت این مصحف را در پارچه و لباس نگاشته است، [40] در حالی که در جایی دیگر رنگ پارچه نیز مشخص شده است: فجمعه فی ثوب اصفر. [41].

4. نوع گردآوری، بدیع و ابتکاری و انحصاری بوده است. عکرمه، که از مخالفان حضرت به شمار می آید، از این حقیقت سخن گفته است: لو اجتمعت الانس والجنّ علی ان یؤلفوه ذلک التألیف ما استطاعوا. [42] در روایتی دیگر، همین معنا از طریق شیعه نقل شده و آمده است که ماندش را در جمع و حفظ کسی نیاورده

و در این جهت که کسی بتواند شرایط نزول را رعایت کند، کاری بی نظیر بوده است. [43].

محتوای مصحف امام علی

اگر مستند خبر مصحف امام، روایات جمع قرآن پس از رحلت پیامبر باشد، در آن ها به گونه ای صریح سخن از جمع قرآن رفته و چنین عبارات هایی آمده است: حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [44] لا أَخْرَجُ حَتَّى أَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [45] ففرغ الی کتاب اللّٰه و أخذ یجمعه فی



مصحف؛ [46] المصحف الّذی جمعه امیرالمؤمنین. [47] بنابراین، روشن می شود که سخن از کاری در زمینه قرآن بوده است و هر چند در آن روزگار، اصطلاح «مصحف» برای غیر قرآن به کار می رفته و یا برای موارد مشترک می آمده، در این جا مراد از مصحف، قرآن بوده است. مصحف فاطمه (س) قرآن نبوده و حتی در جرگه کتاب های تفسیری نیز قرار نداشته است. بنابراین، نباید مصحف امام را در ردیف مصحف فاطمه (س) قرار داد. چنان که توضیح خواهیم داد، امامان می کوشیدند که نشان دهند مصحف فاطمه (س) به هیچ رو قرآن نیست تا مبادا این اشتباه به موارد دیگر راه یابد و یا نقل از مصحف فاطمه (س) به عنوان نقل از قرآن تلقی شود.

از سوی دیگر، این که محتوای مصحف، تنها قرآن است و مطالبی جز قرآن در آن نیست، مورد اتفاق مورخان و مفسران است. پیش از این، از شیخ مفید نقل کردیم که درباره مصحف حضرت گفته است: آن چه در مصحف حضرت آمده، تأویل و تفسیر معانی و مطالبی است که از کلام الله به حساب نمی آیند. [48] فیض کاشانی نیز به صراحت در مقدمه ششم تفسیر خود می نویسد: «معلوم است که حکم به تعیین ناسخ و منسوخ در آیات از قبیل تفسیر و بیان

است، نه این که جزو قرآن باشد.» [49].

ابوعبدالله زنجانی (م 1319 ش) نیز درباره مصحف امام می نویسد که این مصحف، مرکب از هفت جزء و حجم آن چنان گسترده بوده که حضرت مجبور شده است برای حمل آن از شتر بهره گیرد. [50] آیت الله خوئی نیز بر آن رفته است که این مصحف، مشتمل بر زیادتی افزون بر قرآن بوده است، اما روشن است که این، بدان معنا نیست که افزوده ها از قرآن باشند، بلکه زیاداتی تفسیری و تأویلی بوده اند. [51].



ریشه این برداشت در خود روایات است که آشکارا باز می نمایند این مصحف، تنها قرآن نبوده است. در روایات سلیم بن قیس آمده است: فلما جمعه كله و كتبه بيده تنزيلة و تأويله و النسخ منه والمنسوخ ... [52] اگر مصحف تنها قرآن است، دیگر کتبه بيده تنزيلة و تأويله معنا ندارد، و بی گمان توضیح و تفسیر آیه ها مراد بوده است تا میان تنزیل و تأویل، و ناسخ و منسوخ تفاوت گذاشته شود؛ به ویژه که در ذیل همین خبر آمده است: حضرت اتمام حجت می کند که مباد روزی برسد و بگویند علی، کسی که از پیامبر این آیات را آموخته و تأویلشان را برگرفته، چرا ما را در غفلت گذاشته و ناآموخته هایمان را باز نگفته است. [53].

در خبری دیگر از سلیم آمده است که حضرت خطاب به عثمان می گوید:

ان كل آية أنزلها الله - جل و علا - على محمد - صلى الله عليه و آله - عندى بإملاء رسول الله و خط يدي و تأويل كل آية أنزلها الله على محمد و كل حلال و حرام أو حد أو حكم أو شيء تحتاج إليه الأمة الى يوم القيامة مكتوب

بإملاء رسول الله و خط يدي حتى أُرش الخدش؛ [54] «بی گمان هر آیه ای که خداوند بر پیامبرش (ص) نازل کرده، پیش من است به املاى او و دست خط من. و تأویل هر آیه ای که خدا بر پیامبرش نازل کرده و هر حلال و حرام یا حد و حکم و هر چیزی که مردم تا روز قیامت بدان نیازمندند، با املاى پیامبر خدا و خط من نوشته شده است؛ حتی جریمه خدشه ای که بر بدن کسی وارد کنند.»

از این خبر به خوبی می توان دریافت که افزون بر ذکر آیات، تأویل آن نیز در مصحف آمده است و تأویل غیر از قرآن است. همچنین، توضیح هر حلال و حرام یا بیان حدود و



احکام و نیازهای امت اسلامی تا قیامت، در این مصحف مذکور بوده است. اگر منظور خود آیه ها و سوره ها باشد، وجهی برای ذکر آن ها نبود و تفاوتی میان این مصحف و مصحف های دیگر به شمار نمی رفت و دیگر نیازی نبود که در ذیل روایت بیاید: ان رسول الله اَسْرَ إِلَىٰ فِي مَرَضِهِ مِفْتَاحَ اَلْفِ بَابِ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابِ اَلْفِ بَابٍ. این که پیامبر در هنگام رحلت، کلید هزار باب دانش را به علی می دهد تا آن ها را بنویسد، چیزی جز قرآن بوده که حضرت علی (ع) آن را آموخته و به کتابت درآورده است.

مصحف امام علی و دیگر مصحف ها

روایاتی بسیار در دست است که در زمان پیامبر و پس از آن، مصحف هایی فراوان، متعلق به یاران پیامبر، موجود بوده است. همچنین، از تابعین نیز هر کس می توانست، مجموعه ای از برخی آیات الهی یا همه قرآن را برای خود گرد می آورد؛ به گونه ای که تا سال ها بعد، مصحف شخصی

- گذشته از این که برای انجام فرایض مذهبی و خواندن قرآن لازم بود، یا برای آموزش مسلمانان و کودکان و نومسلمانان ضروری می نمود - نشانه تشخیص نیز به شمار می رفت و مالکیت صحیفه برای مسلمانان گونه ای ارزش اجتماعی محسوب می شد. [55].

مصحف ها چنان ارزشمند بودند که گروهی کتاب هایی به نگارش درآوردند و مصحف ها را به صورت منطقه ای به معرفی گذاردند؛ مانند مصاحف شام، مصاحف حجاز و عراق، از ابن عامر (م 118 ق)، یا در پی مقایسه آن ها برآمدند؛ مانند کتاب اختلاف مصاحف اهل مدینه و اهل کوفه و اهل بصره، از کسایی (م 189 ق)، یا مستقلانه به معرفی مصحف ها پرداختند؛ مانند کتاب المصاحف والهجاء، نوشته محمد بن عیسی اصفهانی (م 253 ق)،



کتاب المصاحف، نوشته ابوبکر بن ابی داوود سجستانی (م 316 ق)، المصاحف، نوشته ابن انباری (م 327 ق)، المصاحف، نوشته ابن اشته اصفهانی (م 360 ق) و المصاحف، نوشته ابن قسّم (م 362 ق). [56].

رامیار در پژوهش خود درباره مصاحف صحابه در حیات پیامبر، از صاحبان چندین مصحف یاد می کند؛ از آن جمله، حمزه عموی پیامبر که پیش از شهادت، مصحفی برای خود ترتیب داده بود و ابی بن کعب، ابوالدرداء، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید، عباده بن صامت و ابویوب انصاری. البته پس از زمان رسول خدا (ص) کار تدوین مصاحف و مجموعه های شخصی، از تدوین مصحف های آیات الهی رایج تر شد؛ و می توان گفت که 23 نفر از صحابه دارای مصحف بوده اند. [57].

سرنوشت مصحف ها

پس از رحلت پیامبر، مصحف هایی گرد آوردند و بر اساس آن ها نسخه هایی باز نوشتند؛ تا آن جا که افراد برای فراهم آوردن مصحف خود، یکی از مصحف های صحابه را نمونه قرار می دادند، و همین، مایه

رواج مصحف در هر شهر شد. از این رو، هر مصحف نشانه و ویژگی شهری را با خود داشت و بدین سان تا سال ها مصحف ابی بن کعب در دمشق، مصحف ابن مسعود در کوفه، مصحف ابوموسی در بصره و مصحف مقداد - و بنا بر روایتی معاذ - در حمص رواج داشت. [58] اما با گسترش فتوحات، ملت هایی مختلف به اسلام گرویدند؛ مردمی که نه زبان قرآن را می دانستند و نه با فرهنگ و آداب و رسوم عرب آشنا بودند. کار قرآن خواندن برای اینان دشوار بود. از سویی دیگر، قرآن میان مردم عرب بیش تر به گونه انتقال شفاهی و با

اتکا به حافظه قرائت می شد و آنان کم تر از خط و کتابت سود می بردند. خط آن روزگار نیز، خود، مشکلی بود و کلمه ها از نقطه گذاری و اعراب بی بهره بودند و هر کسی نمی توانست از مصحف ها سود ببرد. در چنین شرایطی زمینه نادرست خوانی فراهم شد و بیم آن می رفت که لهجه ها و سلیقه ها و قرائت های گوناگون به اساس قرآن آسیب رسانند.

برای سامان یافتن این وضع، می باید گروهی از حافظان، قاریان و مصحف داران گرد می آمدند و به ثبت قرآن و یگانه ساختن مصاحف روی می آوردند. سرانجام، عثمان به این کار روی آورد و برای این که بتواند این حرکت را سامان بخشد و راه را برای یگانه سازی مصاحف باز کند، تصمیم گرفت مصحف های دیگر را گرد آورد و نابود سازد. او دستور داد همه کتبه ها، نوشته ها، استخوان ها و سنگ های نازک سپید را، که صحابه آورده بودند و آیات قرآنی را بر آن ها نوشته بودند، از میان ببرند تا دیگر نزاع و اختلافی در میان نباشد و همه مسلمانان،

یکپارچه، به متنی یگانه روی آورند. خلاصه آن که او دستور داد هر جا و نزد هر کسی مصحفی مخالف آن چه آنان گرد آورده اند یافته شود، نابودش سازند و مردم را به یک نسخه فراخوانند. [59].

با این همه، هر قدر برای از میان بردن دیگر مصاحف می کوشیدند، دارندگان مصاحف بر مقاومت خویش می افزودند؛ چنان که تا سال ها پس از این ماجرا، برخی مصاحف همچنان موجود بودند، ولی اندک اندک همان ها نیز نابود شدند و اثری جز نام از آن ها باقی نماند.

مصحف امام علی و مصحف فاطمه



چنان که گذشت، بنابر روایات، محتوای مصحف امام علی (ع) کلمات وحی الهی بوده است. نیز گذشت که در آن روزگار واژه «مصحف» را برای کتاب هایی دیگر نیز به کار می برده اند و تنها به نسخه های قرآنی مصحف نمی گفته اند. درباره مصحف فاطمه (س) نیز همین حقیقت، صادق است. بر اساس منابع گوناگونی که از کتاب یا مصحف دخت پیامبر اکرم (ص) سخن گفته اند، می توان دریافت که حضرت پس از رحلت پیامبر این مصحف را نگاشته است. نگارش این مصحف بر اساس دریافت های معنوی و غیبی او و برای تسلای خاطر و تحمل رنج گران فقدان پدر انجام گرفته است. بنابر این روایات، فاطمه (س) دریافت های خویش را باز می گفته و امیرمؤمنان آن ها را می نوشته است: فجعل امیرالمؤمنین یکتب کلما سمع حتی اثبت من ذلك مصحفاً. [60].

بنابر برخی دیگر از روایات، مصحف فاطمه (س) از نظر حجم سه برابر قرآن بوده است. [61] نکته مهمی، که روایات بسیار بر آن پای فشرده اند، آن است که مصحف حضرت فاطمه (س) قرآن نبوده [62] و حتی در این کتاب احکام شریعت و حلال و حرام نیز مذکور نبوده است؛

تا برخی گمان کنند از این روایات بوی تحریف قرآن به مشام می رسد و یا مصحف فاطمه (س) کتابی است در مقابل قرآن.

مصحف حضرت، امثال و حکم و موعظه و سخنان عبرت آمیز و اخبار بوده است. کلینی بنابر روایتی از امام صادق (ع) نقل می کند که مصحف فاطمه (س)، وصیت آن بانو بوده است. [63] همچنین، در برخی اخبار آمده است که در این مصحف، اخبار و اسرار زمان آینده مذکور بوده است. [64] بنابراین، کاربرد واژه «مصحف» بر کتاب فاطمه (س) از این رو بوده است که هر نوشته میان دو جلد را «مصحف» می گفته اند؛ چنان که نوشته مرتب و



منظم را «دیوان» می گفته اند و دیوان، مدون ساختن و به گونه کتاب در آوردن است، ولی اندک اندک، کتاب شعرا را دیوان خوانده اند. اصطلاح مصحف نیز چنین بوده است و به تمام نوشته های مدون، مصحف می گفته اند، اما بعدها تنها برای قرآن از آن سود جسته اند؛ تا جایی که اگر کسی واژه «مصحف» را بر زبان می آورده، مردم قرآن را نشان می داده اند. همین زمینه ای گشت تا برخی درباره مصحف فاطمه (س) به اشتباه افتند. درباب مصحف فاطمه (س) مطالب بسیار دیگری مطرح است که از حوصله این مقال بیرون است. [65].

بدین سان، تفاوتی بنیادین میان مصحف امام علی (ع) و مصحف فاطمه (س) در کار است. مصحف امام علی (ع) بر اساس متن قرآن و نسخه پیامبر سامان یافته و مصحف فاطمه (س) بر اساس دریافت های معنوی و غیبی و الهام های دوران سخت فراق پدر. نکته دیگر آن که، بنابر روایات شیعه، از نشانه های امامت که می توان به وسیله آن امام معصوم راستین را از دیگران باز شناخت، این است

که مصحف فاطمه (س) و جفر و جامعه نزد او است. امامان گاه در مقام احتجاج از این نشانه سود برده اند. در این گونه روایات، از مصحف فاطمه (س) بسان کتابی مستقل یاد شده است؛ مانند: خلفت فاطمه مصحفاً ما هو القرآن؛ [66] عندی مصحف فاطمه لیس فیه شیء من القرآن؛ [67] مصحف فاطمه ما فیه آیه من القرآن. [68].

ویژگی های مصحف امام علی

آن چه در روایات درباره ویژگی های مصحف امام علی (ع) آمده، تفسیرپذیر است و جای نقد و بررسی دارد. از این رو، در آغاز باید ویژگی ها را بر شمرد و سپس از معنا و تفسیر آن ها سخن گفت و به نتیجه بحث رسید و چهره راستین مصحف را باز شناخت.



کتاب علی

با عنایت به اختصار مقاله حاضر، در این جا فقط ویژگی های مصحف امام را، فهرستوار، می شماریم و توضیح در باره آن ها را به مجالی دیگر وامی گذاریم:

1. ترتیب بر حسب نزول؛

2. ذکر ناسخ و منسوخ؛

3. اشتمال بر تأویل؛

4. اشتمال بر تنزیل؛

5. بیان محکم و متشابه؛

6. تفصیل احکام؛

7. ذکر اسامی اهل حق و باطل؛

8. املائی پیامبر و انشای علی.

چون در منابع حدیثی شیعه جست و جو کنیم، درمی یابیم که امامان، احادیثی را از نوشته ای به نام «کتاب علی» نقل کرده اند. آن پاک نهادان، ده ها بار در گفتار خود تعبیرهایی چنین آورده اند: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ كَذَا؛ هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ ذَلِكَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ. بیش تر این روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده اند و از دیگر امامان بسیار اندک نقل گشته اند. [69].



بنابر این، وجود کتاب علی (ع)، بنابر روایات متواتری که در منابع آمده اند، تردیدناپذیر است، اما در این جا چند پرسش مطرح است:

اول. این کتاب از چه سخن می گفته است؛ آیا از مقوله تفسیر بوده یا از محتوایی حدیثی، تاریخی و یا فقهی برخوردار بوده است؟

دوم. این کتاب دارای چه ویژگی هایی بوده است؟

سوم. آیا تنها روایات شیعه از کتاب علی (ع) نام برده اند یا کتاب های اهل سنت نیز به آن اشاره کرده اند؟

چهارم. آیا مصحف امام و کتاب علی (ع) یکی بوده اند، یا مصحف بخشی از کتاب علی

(ع) بوده یا به عکس، و یا هر دو وجودی مستقل داشته اند.

ویژگی های کتاب امام علی

از مجموع روایات می توان به چند نکته راه یافت:

اول. کتاب علی (ع) تألیف بوده است و حضرت به دست خویش آن را به نگارش در آورده است. میان مقرر و کاتب تفاوت است. کاتب وظیفه دارد آن چه را کسی دیگر می گوید، کلمه به کلمه بنویسد و نظم و ترتیب و فصل بندی املا کننده را رعایت کند. مقرر، مطالب کسی دیگر را تقریر می کند و به نگارش درمی آورد، اما تنظیم، ترتیب و بسیاری از ویژگی های کتاب از آن نویسنده است؛ مطالب از گوینده است، اما ترکیب و تألیف و حتی برخی توضیحات، از نویسنده و مقرر است.



این که در روایات آمده است کتاب از آن علی و به خط علی است و خط به دست علی و با انگشتان علی است، تأکیدی است بر این که کار منسوب به حضرت و متعلق به وی است؛ به ویژه این تعبیر که امام باقر (ع) می فرماید: **إِنَّ عَلِيًّا كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ**. [70] یا امام صادق (ع) می فرماید: **أَمَّا إِنَّكَ إِنْ رَأَيْتَ كِتَابَهُ لَعَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْ كُتُبِ الْأَوَّلِينَ**؛ [71] «بی گمان، اگر کتاب علی را باز بینی، درمی یابی که این کتاب از کتاب های نخستین است.»

دوم. این کتاب آموخته های علی (ع) از پیامبر است، بلکه تقریر مطالب پیامبر است. در بیش تر روایات با صراحت تأکید شده است که مطالب کتاب به املائی رسول الله (ص) است. [72]

سوم. بیش تر آن چه از این کتاب نقل شده است، نشان می دهد که موضوع کتاب، شریعت و احکام و مسائل دین بوده است؛ چنان که در روایات، کتاب علی (ع) این گونه وصف شده است: **فیها کل حلال و**

حرام؛ [73] **فیها جمیع الحلال والحرام**، حتی ارش الخدش فیه؛ [74] **لیس من قضیه إلا و هی فیها حتی ارش الخدش**. [75] چنین تعبیرهایی نشان می دهند که محتوای کتاب مربوط به احکام بوده است.

با این حال، در برخی تعبیرها، عنوان، عام و کلی است. این تعبیر در ظاهر نشان می دهند که محتوای کتاب فراتر از احکام ظاهری شریعت بوده است. در این روایات آمده است که چیزی نیست که مردم بدان نیازمند باشند مگر این که در این کتاب بیان شده است، [76] اما وقتی مثال به میان می آید، از ارش الخدش سخن گفته می شود؛ یعنی دیه خدشه ای که به کسی وارد کرده اند. در این صورت، معلوم می شود که بحث کتاب از مقوله فقه و احکام



است؛ به ویژه در روایت محمد بن مسلم که می گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم این کتاب علی (ع) چگونه است؟

أَجَوَاعٌ هُوَ مِنَ الْعِلْمِ، أَمْ فِيهِ تَفْسِيرٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الَّتِي تَتَكَلَّمُ فِيهِ النَّاسُ مِثْلَ الطَّلَاقِ وَالْفَرَائِضِ؟ فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ، الْقَضَاءُ وَالْفَرَائِضُ؛ [77] «آیا این کتاب جامع علوم است، یا معنای هر چیز در آن آمده است که مردم درباره اش سخن می گویند؛ مانند احکام طلاق و ارث؟ حضرت فرمود: بی گمان علی (ع) علم را به تمام و کمال نوشت؛ هم قضا و هم فرایض را.»

در این عبارت ها، مثال ها ناظر به احکام فقهی اند و از آن ها نمی توان استفاده کرد که کتاب به علمی دیگر، مانند تاریخ و عقاید مربوط است. البته در روایت محمد بن مسلم آمده است: عندنا صحیفه من کتب علی؛ «در پیش ما صحیفه ای از کتاب های علی است.» یعنی علی (ع) کتاب هایی داشته و

یکی از این کتاب ها، صحیفه طلاق و فرایض بوده است. از این رو، محتمل است صحیفه های دیگر حضرت، مربوط به موضوعات دیگر بوده باشد.

چهارم. از این روایات استفاده می شود که مباحث کتاب - در احکام - جامع و مبسوط بوده است. تعبیرهای گوناگونی وجود دارد که در این کتاب هر چیزی که مردم بدان نیازمند باشند، آمده است، یا از امام صادق (ع) رسیده است که فرموده: «نزد ما چیزی است که دیگر به احدی نیازمند نیستیم.» [78] یا آمده است: «خدا حلال و حرامی نیافریده مگر این که در این کتاب از آن سخن رفته است.» [79] حتی گاهی تعبیر «جامعه» برای کتاب به کار رفته [80] که گستردگی مطالب و حجم مباحث نوشته را می رساند. همچنین است عبارت هایی



دیگر که در این روایات آمده اند؛ مثل این که طول نوشته ها هفتاد ذراع است، [81] و یا حتی ارش خدش را در خویش دارد.

پنجم. این کتاب، منبع علوم و احکام امامان پاک نهاد (ع) بوده و آن بزرگان برای پاسخ به مردم به این کتاب می نگریسته اند. گاه امامان پای می فشرده اند که بگویند این مطلب را از آن کتاب نقل می کنیم؛ مثلاً در جایی آمده است: «در کتاب علی (ع) نوشته شده است: خدا لعنت می کند کسی را که برای غیر خدا ذبح کند؛ خدا لعنت می کند کسی را که نشان راه ها را می دزدد و خدا لعنت می کند کسی را که پدرش او را لعنت کند.» [82] از سوی دیگر، کتاب علی (ع)، نشانه امامت امامان نیز بوده است. گاه آن بزرگان بدین وسیله از دروغین بودن ادعای مدعیان امامت نیز خبر می داده یا اقوال آنان را رد می کرده اند؛ [83] به ویژه آن گاه که پس از شهادت امامی معصوم (ع)، باز شناختن امام بعدی دشوار می نموده است.

ششم. این کتاب نوشته ای عمومی نبوده که دیگران بتوانند آن را استنساخ کنند یا در اختیار گیرند. حتی از برخی روایات استفاده می شود که مطالب کتاب از مختصات علوم اهل بیت (ع) بوده و از امامی به امامی دیگر دست به دست می شده و تنها گاهی امامان برای پدید آوردن اعتماد در مخاطب یا تأکید بر مطلب به کتاب اشاره می کرده اند و یا ویژگی هایی از آن را شرح می داده اند. [84].

نسبت میان صحیفه و کتاب امام علی

پیش از آن که بخواهیم درباره نسبت مصحف امام با کتاب حضرت سخن گوئیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان صحیفه و کتاب علی (ع) تفاوتی هست. در برخی روایات



شیعه گاه تعبیر «صحیفه» آمده و در برخی روایات، «کتاب علی»؛ اما در روایات اهل سنت تنها از «صحیفه» سخن رفته است. در این باره چند احتمال مطرح است:

اول. مراد از آن چه در روایات با عنوان صحیفه و جامعه آمده، همان کتاب علی (ع) است و مراد از آن چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه آمده، نیز کتاب علی (ع) است.

دوم. کتاب علی (ع) و جامعه یک مجموعه اند و صحیفه چیزی دیگر است؛ زیرا درباره کتاب علی (ع) آمده است که طولش هفتاد ذراع است و وقتی پیچیده شود، به اندازه ران مردی قوی هیکل است؛ [85] در حالی که در برخی روایات آمده است که صحیفه به شمشیر پیامبر پیوسته است [86] و آن چه به شمشیر بسته و پیوسته است، باید کوچک و کم حجم باشد.

سوم. نسبت میان صحیفه و جامعه و کتاب علی (ع)، نسبت عموم و خصوص است؛

یعنی آن چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه علی (ع) آمده، در حقیقت، بخشی از کتاب علی (ع) را تشکیل می دهد و حضرت در طول حیات خود روایات پیامبر را گرد آورده و بخش بخش و صحیفه صحیفه کرده است.

صاحبان نظریه نخست می گویند: بر اساس آن چه از روایات اهل سنت رسیده است، صحیفه علی (ع) موضوعاتی گوناگون را در برداشته است و از آن جا که در وصفش آمده که به املائی پیامبر و موضوعش احکام بوده است، با مشخصات کتاب علی (ع) هماهنگ است. بنابراین، گر چه راویان، به دلیلی که گذشت، همه این روایات را ضبط نکرده اند، شواهد و قرائن نشان می دهند که این دو، یکی اند. [87] اما صاحبان نظریه دوم می گویند: طول کتاب علی (ع) هفتاد ذراع و حجمش بسیار بوده و نمی توان آن ها را یکی پنداشت.



در جمع بندی و نتیجه گیری از احتمالات، می توان گفت اگر مراد از صحیفه همان مُلْحَقَه شمشیر پیامبر است، صحیفه مذکور، بخشی از صحیفه و کتاب علی (ع) است؛ زیرا در روایت محمد بن عبدالملک آمده است: عندنا واللّه صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [88] چنان که در روایات عبدالله بن یغفور آمده است: صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [89] در حالی که این تعبیر برای جامعه نیز آمده است: عندنا الجامعه و هی سبعون ذراعاً. [90] در جایی دیگر آمده است: عندنا لَصَحِيفَهٌ یقال لها جامعه. [91] یا در روایت فضیل بن یسار آمده است: عندنا کتاب عَلِیِّ سَبْعُونَ ذِرَاعاً. [92] و در روایت مروان آمده است: عندنا کتاب علی سبعون ذراعاً. [93] بنابراین، کتاب علی (ع)، جامعه و صحیفه، یکی شمرده می شوند و از ویژگی هایی یگانه برخوردارند، و این که در روایات

گاه واژه «کتاب» به کار رفته و گاه «جامعه» و گاه «صحیفه»، مراد کتابی یگانه بوده است؛ زیرا ویژگی های هر سه با یک کتاب هماهنگ است.

کتابی که بنا بر روایات، پیوست یا همراه شمشیر پیامبر بوده است، ممکن است رساله ای کوچک بوده باشد، اما از آن جا که ویژگی هایش با ویژگی های صحیفه حضرت همسان است، باید بخشی از کتاب بسیار مفصلی باشد که ویژه احکام و فرایض است. گواه این حقیقت، برخی روایات است: أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ شَيْئًا مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ. [94] یا در روایت عبدالملک بن اعین آمده است: ارانی ابو جعفر بَعْضَ كُتُبِ عَلِيٍّ. [95].

از سوی دیگر، آن چه در منابع اهل سنت نقل شده است که نزد علی (ع) جز این صحیفه در «قرباب سیف» نبوده و از پیامبر به ارث نرسیده است، [96] محل تردید است؛ زیرا این دسته از روایات در برابر روایاتی قرار دارند که در منابع دیگر (اعم از شیعه و سنی) در مقام علمی امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نقل گشته اند و نشان می دهند پیامبر ودایع خود را به ایشان



واگذارده است. [97] چنان که اشاره شد، فضای سنگین عهد بنی امیه و بنی عباس، زمینه چنین نظریه ای را تقویت می کند.

از برخی روایات به دست می آید که در عصر خود حضرت، این پرسش مطرح بوده که امام علی (ع) از پیامبر چه به ارث برده است.

عن ابی اراکه قال: کُنَّا مَعَ عَلِيٍّ بِمَسْكَنٍ. فَحَدَّثَنَا أَنَّ عَلِيًّا وَرِثَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ السَّيْفَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: أَنَّ الْبَغْلَةَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: وَرِثَ صَحِيفَةً فِي حِمَائِلِ السَّيْفِ، إِذْ خَرَجَ عَلِيٌّ (ع) وَ - نَحْنُ فِي حَدِيثِهِ - فَقَالَ ... وَ أَيْمَ اللَّهِ إِنَّ عِنْدِي لَصُحُفٌ كَثِيرَةٌ قَطَائِعُ

رسول الله و أهل بيته و إن فيها لصحيفة يقال لها العبيطة؛ [98] «ابو اراکه می گوید: همراه با علی در خانه ای بودیم. سخن از علی بود که از پیامبر خدا چه به ارث برده است: شمشیر یا قاطر؟ برخی گفتند: صحیفه ای در جلد شمشیر به ارث برده است. در این هنگام علی (ع) - در حالی که ما درباره او سخن می گفتیم - به جمعمان درآمد و گفت: به خدا سوگند، در پیش من صحیفه هایی بسیار از پیامبر خدا است که یکی از آن ها درباره مرگ های ناگهانی [عبيطه] است.»

بنابراین، حضرت صحیفه هایی چند در اختیار داشته است که مجموع آن ها جامعه و کتاب علی (ع) را تشکیل می داده است و این که ویژگی های یک یا چند صحیفه در احادیث برشمرده شده است، بدین معنا نیست که هر یک، کتابی مستقل بوده اند. [99].

نسبت میان کتاب و مصحف امام علی



از آن چه درباره کتاب و مصحف علی (ع) باز نموده شد، می توان به تفاوت های آن ها دست یافت. بی گمان، کتاب علی (ع) در بردارنده احکام و مقررات فقهی بوده است و از آن جا که احکام را دامنه ای گسترده است، حجم آن کتاب بسیار بوده است؛ چنان که بنابر روایات، طول صحیفه هفتاد ذراع و عرضش در حدود دو ذراع و قطرش به اندازه ران شتر بوده است. [100] در این دسته از روایات مطلبی که حاکی از تفسیر قرآن باشد، به چشم نمی آید.

از سوی دیگر، از ویژگی های گفته شده درباره مصحف امام علی (ع) می توان دریافت که محتوای کتاب، قرآن و علوم وابسته به قرآن بوده و تنها احکام صرف نبوده است؛ مانند مبحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول و سرانجام، تفسیر و تأویل. از

این رو، این که دو نوشته را یکی بپنداریم، به ظاهر درست نمی نماید. تنها آن چه زمینه وحدت موضوعی این دو کتاب را تداعی می کند، تشابه موضوعات فقهی و برخی ویژگی های دیگر است؛ مثلاً در روایت سلیم آمده است که هر حکم حلال و حرام و کیفر و حکمی - حتی دیه خراش - که مسلمانان تا روز رستاخیز بدان نیازمندند، با املای پیامبر خدا (ص) و خطعلی (ع) نوشته شده است. [101] این تعبیر درباره کتاب علی (ع) بارها به کار رفته است. به عنوان نمونه، در روایت عبدالرحمان بن عبدالله از امام صادق (ع) نقل شده است: ما خَلَقَ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ إِلَّا فِيهَا حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشُ. [102].

بنابر آن چه گذشت، ویژگی های مشترک مصحف و کتاب عبارتند از:

- در برداشتن احکام حلال و حرام و جامعیت مصحف و کتاب در این قلمرو.

- بیان احکام برای همه زمان ها و شرایط گوناگون.



- منبع و مأخذ هر دو نوشته، املائی پیامبر و خط علی (ع) است. [103].

پس مانعی نیست که مصحف امام در همان حال که تفسیر است، احکام را نیز به گونه ای گسترده بیان کند. و اگر در روایات امامان، تعبیر «کتاب» و «صحیفه» به چشم می آید، از این باب است که در عهد صادقین (ع) اصطلاح «مصحف»، قرآن را به ذهن می آورده است. البته حضرت می توانسته است مجموعه ای مستقل به نگارش در آورده باشد.

نکته دیگر آن که کتاب علی (ع) گاه در اختیار دیگران قرار گرفته است و شماری از صحابه آن را بارها در دست امامان دیده اند، ولی مصحف علی (ع) را کسی ندیده است و جز از گذر توضیحاتی کلی، خبری از آن در دست نیست. مصحف

امام علی (ع) پس از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به امام سجاد (ع) و از آن حضرت به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رسید، ولی از زمان امام سجاد (ع) به بعد، کم تر تعبیر «مصحف» به کار رفته است؛ در حالی که آن چه در روایات شیعی از زمان امام باقر (ع) به بعد به چشم می آید، تعبیر «کتاب علی» است و همین، احتمال یگانگی دو نوشته را تقویت می کند.

چگونگی نگارش مصحف امام علی

پس از این که آشکار شد مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن نیست، این پرسش مطرح است که نگارش مطالب تفسیری حضرت چگونه بوده است. آیا مانند تفسیرهای روزگار ما آیات و تفسیر آن ها، هر دو، در متن می آمده اند و مباحث درهم نگاشته می شده اند یا به گونه متن و حاشیه می آمده اند؟



شیوه کتاب های تفسیری همواره دو گونه است:

اول. متن آیه در بالا، و توضیح ها و تفسیرها در حاشیه آورده می شود. حجم این توضیح های حاشیه ای، بسته به اهداف، مخاطبان و شرایط علمی مفسر متفاوت است.

دوم. آیه، بخش بخش آورده می شود و پس از ذکر هر بخش، توضیح و تفسیر آن ها مذکور می آید و آن گاه نوبت بخش های بعدی فرامی رسد.

در متون کهن در این باره سخنی به میان نیامده است و از کتاب هایی که از آن روزگار بر جای مانده اند، با توجه به تحولات خط، نوشت افزار و دگرگونی نسخه ها، نمی توان نظریه ای قطعی در باب کیفیت نگارش فراچنگ آورد؛ به ویژه درباره مصحف امام که برخی می پنداشته اند تنها نسخه ای از قرآن بوده است و از این رو، این پرسش در ذهن آنان مطرح نبوده که نگارش مطالب بر چه شیوه بوده است.

از سوی دیگر، از برخی گزارش ها می توان دریافت که در

عصر خلفا، شماری از صحابه و تابعین، توضیح خود را در حاشیه یا متن قرآن می نوشتند؛ تا آن جا که خلیفه دوم در فرمانی مشهور، نگارش تفسیر را در متن آیات قرآن ممنوع ساخت و قرظ بن کعب انصاری را مأمور کرد قرآن را از تفسیر جدا کند. [104] اشتباه برخی خاورشناسان [105] و همچنین صاحبان مصاحف درباره قرائت ترادفی و سوء استفاده از آن برای پذیرش تحریف قرآن از این جا برخاسته است که پنداشته اند آن چه در مصاحف کسانی مانند ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه و حفصه و دیگران به جای کلمه ای، کلمه دیگر نقل شده یا در کنار آن قید توضیحی آمده است، اختلاف قرائت و ترادف کلمات قرآن بوده؛ [106] در صورتی که روشن است بسیاری از این موارد نه از باب اختلاف قرائت



یا بر نهادن کلمه ای بر جای کلمه ای دیگر است، بلکه توضیح و تفسیر صاحبان مصاحف است و هیچ ارتباطی با تحریف ندارد.

تنها کسی که در این میان به این موضوع پرداخته و کیفیت نگارش مصحف امام را به پژوهش نهاده است، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م 548 ق) نویسنده کتاب الملل والنحل است. او در مقدمه تفسیر خویش به این مصحف اشاره می کند و می گوید: «برخی گفته اند مصحف امام علی، متن و حاشیه داشته است و قرآن در متن بوده و تفسیرها در عرض و حواشی.» [107] شهرستانی با تعبیر «قیل» از نظریه یادشده سخن می گوید و منبع آن را نام نمی برد، اما این گفته با حساسیت حضرت برای نیامیختن متن و تفسیر و تجربه ای که بعدها برای خلیفه دوم پیش آمد، سازگار می نماید؛ به ویژه آن که این روش رواج یافت و تا سال ها برجای ماند.

شاید این که برخی پنداشته اند مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن بوده است، از این جا ناشی شده است که اصل و متن عبارت از قرآن بوده است؛ چنان که در روزگار ما اگر قرآنی با حاشیه چاپ شود، باز آن را «قرآن» می شماریم. به همین دلیل، شهرستانی پس از گفتاری مفصل درباره رویدادهای پس از پیامبر و این که چگونه مصحف علی (ع) را پذیرفتند، گلایه می کند که چرا آن را به شایسته ترین کسی که می توانست قرآن را گرد آورد، نسپردند و به نوشته اش بها ندادند. او در پایان می نویسد: «با این همه، نقل نشده است که حضرت علی (ع) گردآوری دیگران را رد کرده و پذیرفته باشد.» [108].

همچنین، در نسخه کرمانیه شواهدالتنزیل، نوشته حسکانی (م قرن پنجم ق)، از ابن سیرین (م 110 ق) نکته ای نقل شده است که گوشه ای دیگر از چگونگی نگارش مصحف امام را



روشن می سازد: «من خبردار شدم که حضرت، در پی قرآن، ناسخ و منسوخ را می نوشته است.» [109] تعبیر «فی اثره»، شاید گفتار شهرستانی را تقویت کند که مصحف امام دارای حواشی و تعلیقاتی بوده و این گونه نبوده است که در متن قرآن، افزوده های تفسیری و تاریخی جای گیرند.

مدت گردآوری مصحف امام علی

از پرسش هایی که درباره مصحف امام مطرح است مدت گردآوری یا تألیف آن است. این پرسش از آن جا مطرح شده است که گزارش ها دگرگونند، به گونه ای که حتی اصل موضوع را نیز خدشه دار کرده است؛ مثلاً در برخی گزارش ها مدت گردآوری سه روز و در برخی شش یا هفت روز و در برخی شش ماه آمده است.

اکنون پیش از بررسی لازم است به پرسشی دیگر پردازیم. پرسش این

است که اگر مصحف به املائی پیامبر و کتابت حضرت علی (ع) است، باید نگارشش در زمان خود پیامبر انجام گرفته باشد؛ در صورتی که بحث تألیف و جمع، درباره روزگار پس از پیامبر است؛ به ویژه آن که از برخی روایات دریافته می شود که کتاب در همان روزگار نزول قرآن سامان یافته و به تعلیم پیامبر بوده است؛ مثلاً در روایت کمال الدین، نوشته شیخ صدوق، آمده است: مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا. [110].

از جمله «فکتبته بخطی»، که با فاء عاطفه آمده است، استفاده می شود که هر گاه آیه ای نازل می شده، پیامبر آن را بر حضرت علی (ع) می خوانده و آن حضرت بی درنگ آیه را برمی نوشته و تأویل و تفسیرش را از پیامبر می آموخته است. ولی در ذیل روایت، عبارتی



است که معنایی دیگر به ذهن می‌رساند: فما نَسِيتُ آيةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا عَلِمًا أَمْلَأُهُ عَلَيَّ. زیرا وقتی امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای از کتاب و علمی را که رسول خدا بر من املا کرد، فراموش نکردم»، بدین معنا است که نوشتن در همان زمان املا انجام نگرفته؛ و اگر جز این بود، سخن از فراموش نکردن و مانند آن به میان نمی‌آمد.

همکاران امام علی در کار گردآوری

آیا علی (ع) در کار گردآوری تنها بوده است، یا دستیارانی داشته و اگر دستیارانی داشته به چه کاری از مصحف مشغول بوده اند؟

از ظاهر بیش تر روایات چنین برمی‌آید که کار گردآوری مصحف، ویژه علی (ع) بوده است. او به دلیل ویژگی علمی و ارتباطی که با سرچشمه وحی داشته و نیز به این دلیل که مصحف پیامبر را نزد

خویش داشته است، برای گردآوری و تألیف قرآن بی‌همتا بوده است. بنابراین، نیاز به همکاری کسی برای نوشتن محتوا و یا گردآوری مطالب مطرح نبوده است؛ ولی در برخی گزارش‌ها آمده است که برخی کسان با حضرت همکاری داشته‌اند. شاید این همکاری، کاری همچون آماده کردن و مرتب ساختن دست نوشته‌ها بوده است و شاید ادعای برخی کسان به همکاری، برای فرار از بیعت با خلیفه و پناه آوردن به خانه علی (ع) بوده است. به یکی از این گزارش‌ها، که ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری (م حدود 300 ق) نقل کرده است، بسنده می‌کنیم. سعد بن ابی وقاص با مقداد بن اسود در خانه فاطمه گردآمده بودند که مأموران عمر به خانه یورش بردند. عمر فریاد زد: «بیرون آید و گرنه خانه را آتش می‌زنم!» در این هنگام، زبیر با شمشیر آخته بیرون آمد و فاطمه به گونه‌ای دیگر، و گفتند: «ما

در خانه به گناه مشغول نیستیم؛ گردآمده ایم و قرآن را در مصحفی یگانه بازمی نویسیم.»
[111].

به هر سان، بعید نیست که حضرت برای سامان دادن و هماهنگ کردن نوشته ها - نه نوشتن محتوا - از همکاری کسانی سود برده باشد؛ به ویژه آن که برخی روایات مدت گردآوری را سه یا شش روز دانسته اند.

سرنوشت مصحف امام علی

بی گمان، رویدادهای عهد بنی امیه و بنی عباس و فشارهایی که بر خاندان علوی وارد می ساختند، از ناگوارترین رویدادهای تاریخ اسلام است. این، به تنهایی می تواند دلیلی برای پنهان ماندن مصحف امام باشد. اما امام علی (ع)، خود نیز مدتی حکومت را در دست داشت و می توانست مصحف خویش را مطرح سازد تا مردم از آن، نسخه بردارند و استفاده کنند. با این حال، گزارشی از

این که حضرت در دوران خلافت، مصحف را به مردم نشان داده است، در دست نیست، بلکه اخباری دیگر در دسترس است که حضرت دستور داده است به همان مصحف عثمانی بسنده کنند. [112] حتی بنا بر روایت سلیم، امام علی (ع) به طلحه می گوید: «اگر به قرآنی که گرد آورده اند، تن در دهید، از آتش می رهید و به بهشت درمی آید.» [113].

آیا پس از شهادت امام علی (ع) و سپری شدن دوران بنی امیه و بهبود وضع علویان، امامان نمی توانستند مصحف علی (ع) را آشکار کنند و در دسترس مردم قرار دهند و دست کم، بخشی از آن را برای استنساخ در اختیار دیگران قرار دهند؟



چنان که گذشت، مصحف امام تنها کلام الهی نبوده تا فقدانش به هدف راستین نزول قرآن آسیب رساند و کوشش های پیامبر گرامی (ص) را بر باد دهد و نابودی دین را در پی آورد. آن چه حضرت نوشته بود، افزون بر قرآن، عبارت از تأویل ها، تفسیرها، بیان شأن نزول ها، ناسخ ها و منسوخ ها بود. حضرت می دانست اگر در دوران خلافت مصحف را در اختیار دیگران قرار دهد، چه بسا در آن تصرف کنند و به خواست خود تغییرش دهند؛ چنان که بسیاری از روایات پیامبر را چنین کردند. [114] وانگهی، بیم آن می رفت که پس از شهادت امام، در اختیار داشتن مصحف برای اصحاب مایه گرفتاری شود. حضرت با دوراندیشی برنامه پس از رحلت خویش را تنظیم کرده و فرمان داده بود او را مخفیانه دفن کنند و جای قبرش را آشکار ن سازند [115] تا دشمنان نتوانند به کاری ناشایست دست زنند. بی گمان، نوشته ها و آثار معنوی و علمی امام با خطری بیش تر روبه رو بودند و پنهان ساختن آن ها، راهی کارساز برای رویارویی با خطر به شمار می رفت.

نکته دیگر آن که دشمنان علی (ع)، تنها از گذر بر ساختن فضیلت و منقبت برای دشمنان، با آن حضرت به ستیز بر نمی خاستند، بلکه گاه سخنانش را تحریف می کردند و بدین وسیله هدف خویش را پی می جستند. ابراهیم بن ابی محمود می گوید: به حضرت امام رضا (ع) گفتم: ما اخباری در فضایل امیرمؤمنان و شما از دشمنان می شنویم که از شما نمی شنویم. آیا این اخبار را بپذیریم؟ فرمود: «ای پسر ابی محمود، دشمنان، اخباری را در فضایل ما بر ساخته اند که بر سه دسته اند: اخباری که گزاف و زیاده گویی است؛ اخباری که از سر کوتاهی در حق ما است و اخباری که مشتمل بر تصریح به طعن و مذمت دشمنان ما است.» [116].



از این روایت به خوبی در می یابیم که دشمنان، بسیار پیچیده عمل می کرده اند؛ گاه اخباری را به ظاهر برای بیان فضیلت های امامان برمی ساخته اند، ولی در حقیقت می خواسته اند جایگاهشان را در پیش مردم فرو آورند و باور عمومی را تغییر دهند. درباره ابوالخطاب محمد بن ابی زینب نقل است که کتاب های اصحاب امام صادق (ع) را می گرفت تا رونویسی کند. آن گاه اخباری برمی ساخت و به کتاب راه می داد و نسخه هایی چند تکثیر می کرد و میان مردم منتشر می ساخت. [117].

برخی روایات حاکی از آنند که امام علی (ع) گفته است که مردمان، تنها با حضور امام معصوم می توانند از کتاب او بهره برند: «چونان که قرآن از عترت جدایی ناپذیر است، از مصحف من نیز تنها با حضور عترت می توانند سود برند.» [118] از این جا می توان به راز اصرار اهل بیت (ع) بر حفظ اسرار و آثار و دستور به تقیه

و مواظبت بر نقل روایات پی برد. چنان که امامان هر آن احتمال می داده اند که مأموران حکومت به خانه آنان یورش برده و نوشته های خود و پدرانیشان را تاراج کنند، ناچار می گشتند از خانه دیگران برای پنهان ساختن نوشته ها سود جسته یا آن ها را در زمین دفن کنند.

ابی الصباح کنانی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: از پیامبر در حق امام علی (ع) رسیده است: انت اخي و صاحبی و صفی و وصی و خالصی من اهل بیتی و خلیفتی فی امتی. فرمود: «آری، چنین روایتی هست و هذا مکتوب عندی فی کتاب علی. اما این کتاب را از ترس مأموران دفن کرده ام.» [119] همچنین معلی بن خنیس از امام صادق (ع) نقل می کند که کتاب های امام علی (ع) در پیش خود آن حضرت در مدینه بوده و هنگام هجرت به عراق آن ها را پیش ام سلمه به امانت گذاشته است. [120].



مشابه این تعبیرات درباره ائمه دیگر، به ویژه حسنین (ع)، بسیار رسیده است؛ مثلاً درباره این دو آمده که آنان برای حفظ میراث پیامبر این نوشته ها را در اختیار ام سلمه قرار دادند. [121] این نگرانی میان اصحاب و یاران حضرت نیز بوده است و آنان همواره بیم داشته اند که روزی دچار عقوبت دشمنان اهل بیت (ع) شوند. نمونه ای از آنان، رشید هجری است که دست و پای و زبانش را به دلیل هواخواهی از علی (ع) می برند [122] و نیز میثم تمار که به گونه ای بسیار فجیع به قتل می رسد. [123] نیز نقل است که کمیل بن زیاد را حجاج می کشد [124] و حجر بن عدی کندی (م 51 ق) به دستور معاویه، در مرج عذرا، با شماری از

شیعیان علی (ع) کشته می شود [125] و افرادی دیگر شکنجه می شوند یا به قتل می رسند. نگاه به زندگی و رنج های چنین کسانی به ما نشان می دهد که شرایط روزگار پس از امام علی (ع) چقدر دشوار بوده و یاران و هواخواهان حضرت چقدر در فشار و رنج بوده اند و نمی توانسته اند از امام خویش به راحتی حدیث و روایت نقل کنند.

فشارها و حساسیت ها برای اصحاب دیگر امامان نیز ادامه یافت و آنان نیز همواره در هراس بودند. در تاریخ آمده است که در اثر چنین وضعیتی، آثار و روایات بسیاری از امامان و صحابه آنان از دست رفته است. درباره محمد بن ابی عمیر نقل است که چون او را گرفتند و به زندان انداختند، خواهرش از ترس این که مبادا روایات امامان و نام راویان به دست مأموران افتد، آن ها را در زمین دفن کرد و در نتیجه، نوشته های بسیاری از او نابود شدند و تنها چهل جلد از آن ها بر جای ماند. [126].

چنان که گذشت، مصحف امام علی (ع) در آغاز روزگار خلافت، با بی اعتنایی روبه رو شد. خلافت امام علی (ع) نیز همواره در معرض طوفان فتنه ها و جنگ ها بود و از این رو،

آثار مکتوب حضرت، زمینه عرضه و استفاده عمومی نیافتند. پس از شهادت امام، این وضعیت سخت و سخت تر شد و بنی امیه، علویان را در تنگنا و سختی انداختند. پنهان ماندن مصحف امام را باید معلول شرایط اجتماعی و سیاسی آن روزگار دانست که امام و فرزندان او نتوانستند مصحف را برای بهره برداری به دیگران بسپارند. البته حضرت دارای برخی نوشته های دیگر نیز بوده که نمی خواسته است آن ها را در دسترس دیگر مردم بگذارد. در این

نوشته ها، آن دسته از اسرار علوم آمده بود که ویژه امامان است. اما بی گمان، مصحف امام از چنین نوشته هایی نبوده است.

امام علی (ع) و دیگر امامان اهل بیت (ع) به جای این که متن مصحف را به اصحاب واگذارند، به نقل احادیث مصحف و کتاب علی (ع) همت گماردند و روایاتی را مناسب با پرسش های اصحاب یا در ضمن بیان احکام و تفسیر آیات و شأن نزول آن ها نقل می کردند. [127] اما متن کامل این کتاب چه شده و در اختیار چه کسی است؟ از برخی روایات دریافته می شود که اصل کتاب در اختیار امامان بوده و دست به دست می گشته تا به حضرت ولی عصر (عج) رسیده و هم اکنون در دست او است. [128].

در جستجوی مصحف امام علی

با این که به علت هایی که گذشت، مصحف امام علی (ع) از دسترس پنهان شد، یاران و علاقه مندان آن امام همام (ع) همواره در پی آن بودند. ابن سیرین در این باره می گوید: «در جست و جوی کتاب برآمدم و نامه ای به مدینه نوشتم و از دیگران برای یافتنش یاری خواستم، اما به آن دست نیافتم.» [129] ابن ندیم می گوید: «مصحف نزد آل جعفر بود و



آن را نزد ابویعلی حمزه حسنی دیدم که پاره ای از صفحه هایش از میان رفته بود و به خط امام بود.» [130].

رامیار بر آن است که چون ابن ندیم الفهرست را حدود 377 ق تألیف کرده است، آشکار می شود که نسخه ای از مصحف تا اواخر قرن چهارم نزد بنی حسن بوده است. [131] اما معلوم نیست تشخیص ابن ندیم و آل حسن در این باره که خط از آن امیر مؤمنان (ع) و نوشته یادشده همان مصحف بوده، درست باشد. چه

بسا مصاحفی که منسوب به امام است، ولی در صحت این انتساب تردیدهای بسیار موجود است. [132].

مصحف های منسوب به امام علی

در برخی کتابخانه ها و موزه ها مصحف هایی به چشم می آیند که برخی می گویند نویسنده آن ها امام علی (ع) است و یا در حاشیه آن ها آمده است که به خط علی بن ابی طالب است. چنین انتساب هایی ویژه امام نیست، بلکه درباره دیگران - از امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) گرفته تا خلفای راشدین - نقل شده اند. مثلاً ابن بطوطه (م 779 ق) در رحله خویش در گزارشی از سفر بصره می نویسد: «در مسجد علی، مصحفی دیدم که عثمان هنگام کشته شدن قرائت می کرده و آثار خون در صفحه ای از آن یافت می شد و بر آیه فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، [133] خون چکیده بود.» [134] جالب این است که ابن جزری (م 833 ق) و ابن فضل الله عمری، همین داستان را در مورد مصحف شامی نقل می کنند. ابن جزری مصحفی در مصر دیده است که عثمان مشغول خواندن آیه بالا از آن بوده و در این حال کشته شده و خورش به صفحه ریخته است. [135].



در خزائن الآثار مسجد حسینی قاهره نیز مصحفی هست معروف به مصحف عثمانی که می گویند از مصاحف امام (گردآوری عهد عثمان) است. اما زرقانی در صحت این ادعا تردید می کند و آن را از نظر فنی درست نمی داند و می گوید: «تزیینات هنری و علامات و تقسیم بندی سوره ها و آیه ها (که بعدها پس از عهد حجاج، رفته رفته، پای گرفته اند) با ویژگی های مصحف عثمانی سازگار نیستند؛ زیرا مصاحف عثمانی دارای این علامت ها نبوده اند.» [136].

همچنین، زرقانی از مصحفی از امام علی (ع) در این خزانه

یاد می کند که بر آن نوشته شده است: «کتابه بخطه»؛ آن گاه توضیح می دهد: «خط این مصحف از نوع خط کوفی قدیم است؛ با این تفاوت که نسخه از نظر حجم، از نسخه مصحف عثمانی کوچک تر است و جاهای خالی اش کم تر و رسمش موافق با رسم الخط غیر مدنی و غیر شامی. از این رو، محتمل است به خط امام علی (ع) باشد یا در کوفه دستور به کتابتش داده باشد.» [137].

از این نقل ها درباره مصاحف، بسیار است. [138] برای این که از حجم مصحف های منسوب به امام علی (ع) آگاه شویم، نمونه ای از گزارش ها را از نظر می گذرانیم و سپس آن ها را به نقد و ارزیابی می نهم.

1. از آن چه ابن ندیم گفته است، می توان دریافت که او دو گونه مصحف دیده است: مصحفی که حضرت آن را گردآورده و در نزد آل جعفر است (و البته آن را ندیده)؛ و مصحفی که شماری از صفحه هایش به مرور زمان از میان رفته و نزد ابویعلی حمزه حسنی

بوده است. حتی ابن ندیم خبر می دهد که این نسخه به خط علی بن ابی طالب بوده است. [139].

2. مقریزی خبر می دهد که در سال 516 ق، مأمون بطائحی، وزیر فاطمی، مصحفی را در جامعه مصری زراندود کرده است که گفته اند به خط علی (ع) بوده است. [140].

3. جمال الدین داوودی (م 828 ق)، از مصحف هایی چند خبر می دهد که به خطعلی (ع) بوده است. [141].

4. در موزه آستان قدس رضوی، مصحفی منسوب به امام علی (ع) است (قرآن شماره 6)، که از آغاز سوره هود تا آخر سوره کهف و به خط کوفی است و بر پوست آهو نوشته شده است. در پایانش نوشته

شده است: «کتبه علی بن ابی طالب فی سنه اربعین.» این قرآن را شاه عباس صفوی وقف کرده و مهم تر آن که شیخ بهایی در جمادی الاول 1008 تأیید کرده است که خط، از سید الاوصیاء، حجّه‌الله علی اهل الارض والسماء است. [142].

شبهه ها و اشکال ها

درباره مصحف امام شبهه ها و اشکال هایی مطرح است. برخی از شبهه های روایی مربوط به بحث را در مبحث اثبات وجود مصحف امام و ویژگی های آن باز گفتیم و بدان ها پاسخ دادیم، اما برخی شبهه ها از گونه تاریخی و کلامی اند که اینک به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم.



1. وقتی مصحف در روزگار ما نایاب است و در دسترس نیست، چه سودی دارد که درباره اش سخن گوئیم؟ هدف پژوهش گران مسائل تاریخی، کشف مجهولات تاریخ و افزودن بر آگاهی های تاریخی است و پژوهش و تفحص درباره مصحف امام، بر آگاهی های تاریخی و فرهنگی ما می افزاید و به روشن شدن دسته ای از مسائل تاریخی - مانند سیر کتابت در جهان اسلام و آغاز تدوین تفسیر - کمک می کند؛ به ویژه اگر درباره کتابی تحقیق کنیم که مربوط به امام علی (ع) است و درباره اش نظریه هایی گوناگون باز گفته باشند و حقیقت در پرده ای از ابهام و تاریکی جای گرفته باشد.

ارزشمندترین سود پژوهش درباره مصحف امام، روشن شدن زوایای تاریخ جمع قرآن است؛ این که گردآوری قرآن در روزگار پیامبر بوده یا پس از آن، نخستین گردآورنده که بوده و چه انگیزه ای داشته است و حضرت علی (ع) در این باره چه کرده است و در برابر، خلفا با چه انگیزه ای به جمع قرآن پرداخته اند. دیگر آن که مصحف امام علی (ع) منشأ پرسش هایی درباره مصحف عثمانی شده است و چنان که

توضیح خواهیم داد، برخی کسان بر شیعه تاخته اند و گفته اند: شیعیان معتقدند قرآن تحریف شده است؛ زیرا به مصحفی جز مصحف کنونی ایمان دارند. روشن شدن موضوع مصحف امام علی (ع) به رفع این شبهه ها کمک می کند و موضع اهل بیت (ع) را درباره قرآن آشکار می سازد.

2. گزارش هایی درباره مصحف در دست است که با نقل متواتر قرآن ناسازگارند؛ به ویژه اخباری که گونه ای اختلاف در مضمون قرائت ها را مطرح می سازند. با توضیحاتی که درباره مصحف امام به دست دادیم، منافاتی میان مصحف امام و تواتر قرآن برجای نمی ماند. درست است که اخبار مصحف امام از نظر سندی دارای جایگاه استواری همچون نقل



قرآن نیستند، اما چون منابع گوناگون و تعبیرهایی مختلف از آن گزارش داده اند، گونه ای اطمینان به صحت و واقعیت گزارش ها حاصل می گردد.

آن چه در باب اختلاف قرائت ها نقل شده است - بر فرض صحت منقولات - با تواتر قرآن ناسازگار نیست؛ زیرا اصل قرآن قطعی است، اما قرائت های قرآن متواتر نیستند [143] و از این رو، اگر در روایتی، قرائتی بر خلاف قرائت رایج مطرح گردد، تنها قرائتی خواهد بود در کنار دیگر قرائت ها. آن گاه که در باب کلمات قرآن از هفت تا چهارده قرائت نقل شده است و هیچ یک از معصوم به تواتر نرسیده است، چگونه می توان نقل خبری درباره یکی از قرائت ها را مخالف قرآن دانست؟ از سوی دیگر، آن چه از مجموع منقولات تردیدناپذیر شمرده شده است، اصل وجود مصحف امام علی (ع) است؛ اما کم و کیف آن باید بر معیار قبول خبر ارزیابی شود. بدین رو، به صرف نقل خبری درباره قرائتی، نمی توان از قرائت مشهور دست کشید.

3. برخی اخبار مصحف حکایت از

تحریف قرآن دارند و چون شیعه و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف یگانه اند، باید در وجود مصحف تردید کرد. به نظر می رسد مهم ترین شبهه ای که درباره مصحف امام مطرح است، همین باشد. این شبهه دو سویه دارد:

1. شماری از محدثان قائل به تحریف، با پذیرفتن برخی روایات ناظر به مصحف امام، قائل به تحریف شده اند. میرزای نوری در کتاب فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، دلیل چهارم بر تحریف را وجود قرآن امیرمؤمنان دانسته و گفته است: «این قرآن، هم از نظر ترتیب با مصحف کنونی تفاوت دارد و هم در آن مطالبی است که از احادیث



قدسیه محسوب نمی شود.» [144] در دلیل یازدهم نیز روایاتی را می آورد که بنابر مفاد آن ها، مصحف امام تفاوت کمی با مصحف موجود دارد؛ از آن جمله می گوید: «در کتاب سلیم بن قیس آمده که در مصحف علی (ع) هجده هزار آیه است.» [145] یا «در خبر سالم بن ابی سالمه آمده است که هنگامی که قائم ما قیام کند، مصحفی را که علی (ع) نوشته درخواهد آورد که قرائتش با قرائت این مصحف تفاوت دارد.» [146].

2. این شبهه از سوی کسانی است که به داعیان و راویان مدعی چنین مصحفی حمله کرده و این فکر را از سوی سبئیّه دانسته و گفته اند: «ریشه پیدایش اندیشه مصحف امام علی (ع)، توسط سبئیّه (گروه عبدالله بن سبا)؛ یعنی کسانی که به الوهیت علی (ع) قائل بوده اند، مطرح شده است.» [147] جالب این است که مسئله وجود مصحف را با بحث نخستین گردآورنده قرآن پیوند زده و گفته اند: «نخستین کسی که این موضوع را در کتابش مطرح کرده، سلیم بن

قیس است.» [148].

اکنون در چند بند به شبهه پاسخ می دهیم و نادرستی اش را آشکار می کنیم:

خبری که محمد صالح مازندرانی از کتاب سلیم بن قیس نقل کرده است، به هیچ وجه در نسخه های تصحیح شده این کتاب موجود نیست. [149] حتی در نسخه بدل ها نیز چنین عبارتی دیده نمی شود. معلوم نیست که مازندرانی این خبر را از کجا نقل کرده است که در مصحف امام علی (ع) هجده هزار آیه است. از این گذشته، مشهور است که کتاب سلیم را نسخه هایی گوناگون است. آقا بزرگ تهرانی از نسخه های گوناگون و متفاوتی از این کتاب یاد می کند. [150] بدین رو، با این اختلاف نسخه ها و دست بردن های بسیار در



نسخه و شبهه هایی که درباره این کتاب مطرح است، استناد به چنین روایتی هرگز پذیرفتنی نیست. [151] البته در اصول کافی، روایتی دیگر از هشام بن سالم (در برخی نسخه ها از هارون بن مسلم) آمده است که به روایت پیش گفته می نماید؛ با این تفاوت که می گوید: «قرآنی که جبرائیل بر پیامبر نازل کرده است، هفده هزار آیه داشته است.» [152] ممکن است روایت کلینی با روایت سلیم خلط شده باشد. اما این روایت، که به ظاهر از نظر سند، صحیح است و همه رجالش مورد وثوق است، از چند جهت مورد مناقشه و ناپذیرفتنی است:

اول. کلینی از طبقه نهم است و علی بن حکم، راوی کلینی، از طبقه ششم. کلینی نمی تواند بی واسطه از او روایت نقل کند. پس باید در این میان کسانی باشند که در طریق افتاده اند و چون معلوم نیست طریق کلینی به علی بن حکم کیانند، سند حدیث مورد خدشه جدی است. [153].

دوم. علی بن حکم نابینا

بوده و از کسانی بسیار حدیث شنیده و به حافظه سپرده و از دیگران خواسته در دفترش بنویسند. مطمئن نیستیم که هر آن چه او شنیده است، به کتابش راه یافته باشد؛ زیرا در عهد امام صادق (ع) کسانی مانند سعید بن مغیره و ابوالخطاب نسخه نویسی می کردند و مطالبی را به نام امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برمی ساختند. بسیار محتمل است این خبرسازان دروغ نویس، نسخه علی بن حکم را به دلخواه تغییر داده باشند. از این موارد در تاریخ فراوان دیده شده است؛ مثلاً یونس بن عبدالرحمان آن چه را از کتاب های اصحاب امام صادق (ع) رونویسی کرده بود، بادل نگرانی به امام رضا (ع) عرضه می کند و آن حضرت حدیث های جعلی را مشخص می سازد و نشان می دهد. [154].



آن چه مرحوم کلینی نقل کرده است، بسان روایتی است که عامه از ابی بن کعب نقل کرده اند که «سوره احزاب که اینک 73 آیه است، در حقیقت، به اندازه سوره بقره [یعنی 286 آیه] بوده است.» [155] همچنین از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که «هیچ کس نباید بگوید: من همه قرآن را آموخته ام؛ زیرا کسی از قرآن خبر ندارد. بخشی بسیار از قرآن از میان رفته است.» [156] روایاتی دیگر نیز از طرق عامه نقل شده اند که جایگاه رفیع این کتاب آسمانی را فرو می آورند و آن را کتابی تحریف شده معرفی می کنند که البته دارای ارزش تاریخی و علمی نیستند. [157].

سوم. در برخی نسخه های الکافی، عدد «عشر» نیامده است؛ (یعنی سبعة عشر آلف)، و بدین سان، شمار آیات قرآن هفت هزار (سبعة آلف) می شود. تعبیر تخمینی آیات قرآن از 6236 آیه به هفت هزار غیر طبیعی

نیست؛ [158] زیرا معمول است که به جای عدد شکسته از عدد سر راست سود برند.

چهارم. در روایت الکافی نیامده است که شمار آیات در مصحف امام این مقدار بوده است تا بتوان بر مصحف خرده گرفت. آن چه میرزای نوری، به نقل از مازندرانی، از کتاب سلیم نقل کرده است، ناظر به مصحف امام علی (ع) است که گفتیم چنین عبارتی در کتاب سلیم نیست و کتاب الکافی، ناظر به کتاب امام نیست.

پنجم. محقق کتاب الکافی در پانوشت درباره حدیث یادشده گفته است که شاید اختلاف در شمار آیات از ناحیه چگونگی تقسیم بندی آیات است نه این که قرآن کم و زیاد شده باشد. [159].



ششم. هیچ یک از اصحاب، در عمل، به این روایات توجه نکرده اند و آن ها را به عنوان اخبار شاذ و نادر یاد کرده اند. [160].

پاورقی

- [1] فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 3، ص 120.
- [2] جوهری، صحاح اللغه، ج 4، ص 138.
- [3] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 863 و 665 و 656 و 625 و 581.
- [4] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 50.
- [5] صدوق، التوحید، ص 73.
- [6] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج 1، ص 128.
- [7] ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 2، ص 420.
- [8] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص 36.
- [9] ر.ک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.
- [10] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.
- [11] کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج 10، ص 59.



- [12] ابن حجر، فتح الباری، ج 9، ص 13.
- [13] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.
- [14] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص 35 و 22 و 21؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق (ترجمه الامام علی)، ص 28.
- [15] شهید ثانی «مضطرب الحدیث»
- را با «لین الحدیث» یکی گرفته، می نویسد: «ای یتساهل فی روایتہ عن غیر الثقہ». ر.ک: شهید ثانی، الرعايه فی علم الدرايه، ص 209.
- [16] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، ج 2، ص 15.
- [17] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج 4 (اوائل المقالات)، ص 81.
- [18] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج 1، ص 79؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج 1، ص 89، ح 46. گویا مفاد حدیث این باشد که ترتیب آیات بر اساس نزول، مطلب را روشن می کرد؛ هر چند نام اشخاص برده نشده باشد.
- [19] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج 1، ص 120. البته به چنین مطلبی در تفسیر القرآن العظیم دست نیافتم.
- [20] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 27.



- [21] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56.
- [22] جزی، محمد بن احمد الکلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج 1، ص 7.
- [23] فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصافی، ج 1، ص 47.
- [24] زنجانی، ابو عبداللہ، تاریخ القرآن، ص 76.
- [25] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، ص 222.
- [26] عسکری، سید مرتضی، القرآن و روایات المدرستین، ج 3، ص 200.
- [27] عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص 152 - 172.
- [28] ابن خطیب، الفرقان، ص 47.
- [29] آل غازی، ملا حویش، بیان المعانی، ج 1، ص 4.
- [30] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، ص 222.
- [31] عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه، ص 152.
- [32] منابع شیعی این احادیث، عمدتاً کتاب سلیم بن قیس هلالی، بصائرالدرجات، از محمد بن حسن صفار (م 290 ق)، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م 320 ق)، تفسیرالعیاشی، از محمد بن مسعود بن عیاش (م 320 ق)، اثبات الوصیه، منسوب به علی بن حسین



مسعودی (م 346 ق)، التوحید، صدوق (م 381 ق) و مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی (م 588 ق) است. این کتاب ها هر یک به گونه ای ضعفِ سندی و مشکلات استنادی دارند. در این زمینه، دو دسته اشکال به طور مشخص مطرح است: یکی در صحت انتساب این کتاب ها به مؤلفان آن ها است؛ مثلاً در مورد تفسیر علی بن ابراهیم یقیناً می دانیم که این کتاب از آن علی بن ابراهیم نیست (ر.ک: ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 330). در مورد بصائرالدرجات نیز نمی دانیم کتابی که هم اکنون در اختیار ما است، همان کتاب محمد بن صفار باشد. چون طریق متقن - مانند کتب اربعه - برای اتصال سندی به مؤلف ندارد تا از طریق اجازه و تداول عام به مؤلف منتهی شود و او صحت آن را تأیید کند. از آن جا که در گذشته معمول بوده که صحافان و وراقان در کتاب دست می بردند یا مستسخان به لحاظ گرایش های فکری و مذهبی روایات را تغییر می دادند، چنین اطمینانی برای عدم تصرف و اتصال آن ها به مؤلف وجود ندارد. ر.ک: شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج 8، ص 131. در مورد برخی دیگر از این کتاب ها مشکل ارسال سندی وجود دارد؛ مانند تفسیر العیاشی که استنساخ گر، اسناد روایات را حذف کرده و طریق خبر مشخص نیست. انتساب اثبات الوصیه به مسعودی و طریق او معلوم نیست. مناقب ابن شهر آشوب، طریق روایات خود را مشخص نمی کند و به این جهت مشکل مربوط به راویان هم دارد؛ مانند ابان بن ابی عیاش (م 138 ق) در طریق کتاب سلیم بن قیس که در رجال ضعیف خوانده شده است. ر.ک: کتاب سلیم،

ج 1، ص 157-234، به ویژه صفحه 216 درباره ابان. به این جهت، بحث ما در استناد به این روایات، با صرف نظر از مباحث سندی و رجالی است.

[33] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 581.



- [34] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 656.
- [35] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 625.
- [36] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 581 و 657.
- [37] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 50.
- [38] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 150.
- [39] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج 1، ص 37.
- [40] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج 1، ص 37.
- [41] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، ج 2، ص 455.
- [42] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص 36.
- [43] صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 193.
- [44] ابن ندیم الفهرست، ص 30.
- [45] عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیرالعیاشی، ج 3، ص 70.
- [46] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 28، ص 231.
- [47] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 53، ص 36.
- [48] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج 4، ص 81.



[49] فیض کاشانى، محسن، تفسیرالصافی، ج 1، ص 47.

[50] زنجانى، ابو عبداللّه، تاریخ القرآن، ص 76.

[51] خویى، سید ابوالقاسم، البیان فى تفسیر القرآن، ص 222.

[52] هلالى، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 581؛ مجلسى، محمدباقر، بحارالانوار، ج 89، ص 40.

[53] هلالى، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص 582.

[54] هلالى، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص 657؛ مجلسى، محمدباقر، بحارالانوار، ج 89، ص 41.

[55] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 333.

[56] ر.ك: زرکشى، بدرالدین، البرهان فى علوم القرآن، ج 2، ص 6.

[57] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص

335.

[58] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 337.

[59] بخارى، محمد بن اسماعیل، صحیح البخارى، ج 3، ص 226.

[60] کلینى، محمد بن یعقوب، الکافى فى الاصول، ج 1، ص 240، ح 2.



[61] همان، ح 1.

[62] همان، ح 3؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 43.

[63] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 241، ح 4.

[64] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 241، ح 5.

[65] ر.ک: عاملی، اکرم برکات، حقیقه مصحف فاطمه عندالشیعه.

[66] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 42، ح 71.

[67] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 45.

[68] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 43.

[69] قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی والتدوین المبکر، ص 23.

[70] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 143.

[71] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 166.

[72] به عنوان نمونه به روایت صفحات 166 و 165 و 147 مراجعه کنید.

[73] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 239؛ صفار قمی، محمد بن

حسن، بصائرالدرجات، ص 143.

[74] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 145.



- [75] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 241.
- [76] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [77] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 143.
- [78] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 241.
- [79] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 148.
- [80] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 160.
- [81] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 164 و 143.
- [82] مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 118 و 100.
- [83] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 145؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 35.
- [84] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 242 و 240؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 161 و 157.
- [85] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 1، ص 241. در روایت آمده: «مثل فخذ الفالج».
- [86] ر.ک: صدوق، معانی الاخبار، ص 379، ح 3. روایت چنین است: «کانت معلقه فی ذوابه السیف او قرابه».



- [87] مصطفی قصیر این نظریه را نقل می کند، اما قائل آن را مشخص نمی سازد. ر.ک:
- قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص 57.
- [88] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [89] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [90] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 160.
- [91] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [92] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 147.
- [93] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 147.
- [94] حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 24، ص 13؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 6، ص 219؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 9، ص 2.
- [95] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 162.
- [96] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج 9، ص 143.
- [97] پیش تر، منابع این روایات را آورده ایم.
- [98] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 37؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 41.



[99] محدثین اهل سنت، به ویژه شارحان صحیح بخاری، مانند نووی و ابن حجر عسقلانی و عینی، این اخبار را مستمسک کرده، روایات دیگری را که از طریق اهل سنت درباره علوم علی (ع) و اهل بیت رسیده، مورد هجمه قرار داده اند و شیعه را از این جهت برای نقل این روایات ملامت کرده اند. ر.ک: قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص 56 - 63.

[100] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 1، ص 241: «صحیفه طولها سبعون ذراعاً فی عرض الأذیم
مثل فخذ الفالج».

[101] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 657.

[102] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص 144.

[103] ر.ک: همان، ص 161 و 160 و 143 و 142.

[104] خطیب بغدادی، تقیید العلم، ص 34 و 33، به نقل از رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 401.

[105] ر.ک: جولد تسیر [گلدزیهر] اجنتس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالعلیم نجار، ص 16.

[106] ر.ک: معرفت، محمد هادی، صیانهالقرآن من التحریف، ص 211 - 220.

[107] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج 1، ص 120.



- [108] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج 1، ص 121.
- [109] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهدالتنزیل، ج 1، ص 38.
- [110] صدوق، کمال الدین، ج 1، ص 401؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 89، ص 99.
- [111] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56.
- [112] ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 89، ص 88 و 74؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص 193.
- [113] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 659.
- [114] درباره چگونگی برخورد با حدیث نبوی، ر.ک: ابوریه، محمود، اضواء علی السنهالمحمدیه، ص 121.
- [115] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ج 42، ص 214، ح 15 و 16 و 17 و 19 و 30 و 33؛ مفید، الارشاد، ص 10.
- [116] صدوق، عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 304، ح 63.
- [117] طوسی، اختیار معرفهالرجال (رجال کشی)، ص 224. درباره روایات ابوالخطاب و مذمت او از سوی امام صادق (ع)، ر.ک: همان، ص 294 - 295.



[118] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 28، ص 308؛ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص 121 - 122.

[119] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 53 و 52.

[120] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 50.

[121] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 207.

[122]

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 42، ص 121 و 138.

[123] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ص 127 و 138.

[124] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ص 163؛ محدث قمی، عباس، سفینهببحار، ج 4، ص 264.

[125] محدث قمی، عباس، الکنی واللقاب، ج 1، ص 304.

[126] تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج 8، ص 5.

[127] قبانچی در کتاب مسندالامام علی، عمده مطالب جلد اول و دوم را به روایاتی اختصاص داده که از حضرت در باب قرآن نقل شده است. حجم این روایات، گویای نقل گسترده ائمه (ع) از حضرت در باب تفسیر است؛ گرچه برای ما روشن نیست که ائمه (ع) چقدر در باب تفسیر قرآن سخن گفته اند، و آن چه برای قضاوت به ما رسیده همین مقدار



است. البته باید در کنار این روایات، روایات دیگری را که از طرق ابن عباس، حسن بصری، ابن جبیر و دیگران نقل شده و صریحاً نام حضرت در آن ها نیامده است، اما شواهد گویای آن است که از اهل بیت (ع) باشند، به حساب آورد.

[128] الکافی، ج 2، ص 462.

[129] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.

[130] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.

[131] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374.

[132] ر.ک: همان، ص 375 - 377.

[133] بقره، آیه 137.

[134] ابن بطوطه، رحله، ج 1، ص 54؛ ابن کثیر، فضائل القرآن، ص 51.

[135] رومی، فهد، دراسات فی علوم القرآن، ص 95.

[136] زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 403.

[137] زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 403.

[138] ر.ک: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص 88.

[139] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.



[140] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374، به نقل از: مقریزی، خطط، ج 1، ص 480.

[141] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374، به نقل از: مقریزی،

خطط، ج 1، ص 480.

[142] رکنی، محمد مهدی، نامه هدایت، پیوست ها از صفحات 260 به بعد.

[143] ر.ک: خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص 157.

[144] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص 105 - 120.

[145] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص 235، ح 2؛ مازندرانی، ملاصالح، شرح

اصول الکافی، ج 11، ص 76.

[146] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ح 3؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 89،

ص 88، ح 28؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 2، ص 633، ح 23.

[147] قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج 1،

ص 202.

[148] قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج 1،

ص 235 - 236 و 229.

[149] این کتاب را محمد باقر انصاری تحقیق، و نشر الهادی در سه مجلد منتشر کرده است.

[150] تهرانی، آقا بزرگ. الذریعهالی تصانیف الشیعه، ج 17، ص 276.



- [151] ر.ک: معرفت، محمد هادی، صیانهالقرآن من التحریف، ص 225.
- [152] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، کتاب فضل القرآن.
- [153] خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج 11، ص 394؛ نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص 338؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ص 264.
- [154] تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج 9، ص 500. به همین دلیل رجالیون برخی از طرق حدیثی یونس را معلول و دارای مشکل دانسته اند؛ مثل طریق محمد بن عیسی. ر.ک: اردبیلی، جامع الرواه، ج 2، ص 357.
- [155] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 3، ص 82.
- [156] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 3، ص 82.
- [157] تفصیل این موارد را می توانید در: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 3، ص 82 - 85 ببینید.
- [158] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج 2، ص 344.
- [159] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج 2، ص 634، پاورقی شماره 3، تحقیق علی اکبر غفاری.
- [160] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج 2، ص 344.